

دکتر تد هیلدبرانت، تاریخ عهد تشریح، ادبیات و الهیات، سخنرانی ۱۲

© 2020 ، دکتر تد هیلدبرانت

این دکتر تد هیلدبرانت در دوره تاریخ، ادبیات و الهیات عهد عتیق، سخنرانی #۱۲: آفت ها و خیمه در کتاب خروج است.

A. پیش نمایش آزمون [3:14-0:00]

کلاس، بیایید شروع کنیم. امروز کارهای زیادی برای انجام دادن داریم. پنجشنبه شما بچه ها امتحان دارید. من اطلاعاتی در مورد جلسات بررسی و راهنماهای مطالعه برای شما ارسال کردم. پس شما باید آن را داشته باشید. به نظر می رسد در کلاس آخر ما فقط از طریق خروج می گذریم. سوالات لاویان در آنجا نخواهد بود. هر چقدر هم که پیش برویم تمام شده است. تا حد زیادی چند گزینه ای خواهد بود، احتمالا حدود 80 چند گزینه ای. چند آیه خاطره وجود خواهد داشت. سپس یک مقاله، یک مقاله یکپارچه، که در آن باید همه چیز را کنار هم قرار دهید. این چیزی نیست که واقعا بتوانید برای آن مطالعه کنید. مقاله اساسا سه نقطه در پشت یک ورق کاغذ خواهد بود. چگونه مقاله بنویسید؟ بگذارید در این کلاس بگویم که شما این کار را انجام می دهید. شما یک مقدمه دارید، نکته یک، دو، سه، نتیجه گیری. در مقدمه، شما معرفی می کنید. سپس سه نکته خود را توسعه می دهید و سپس در نتیجه گیری خود با نتیجه گیری خود به پایان می رسانید. این ساختار اصلی مقاله است. شما آن را در پشت برگه پاسخ خود قرار خواهید داد. پیتز پرسید که آیا سوالات چند گزینه ای از آزمون آنلاین بیرون کشیده می شود یا خیر. نه. این از سخنرانی های کلاس و راهنمای مطالعه از یادداشت های کلاس شما خواهد بود. هیچ یک از چیزهای دیگر وجود نخواهد داشت. ما این کار را در مسابقه انجام دادیم، بنابراین این کاملا متفاوت خواهد بود. آیا سوال یا نظر دیگری وجود دارد؟ باشه. بیایید با یک کلمه دعا شروع کنیم و سپس به کتاب خروج می پردازیم و سعی می کنیم خروج را امروز به پایان برسانیم. بیا شروع کنیم.

پدر، ما از تو برای این روز تشکر می کنیم. ما از شما سپاسگزاریم که شما نجات دهنده بزرگ هستید و مردم خود را از سرزمین بردگی خریدید. شما آنها را آزاد کردید و آنها را در بیابان هدایت کردید. ما دعا می کنیم که شما به ما قلب هایی بدهید که از نزدیک پس از شما پیروی می کنند و شورش نکنید، همانطور که اسرائیلی ها مکررا انجام دادند وقتی که آنها را با من برکت دادی، هنگامی که آنها را با آب برکت دادی، هنگامی که آنها را با گوشت برای خوردن برکت دادید. ما دعا می کنیم که شما به ما کمک کنید تا نیکی و فیض تو را نسبت به ما درک کنیم و از قلب های شکرگزار تو را ستایش کنیم و از تو پیروی کنیم و از کلام تو اطاعت کنیم. ما دعا می کنیم که شما بتوانید به ما کمک کنید تا امروز در کلام شما به برخی از چیزهای دشوار بپردازیم. به ما در آنها درک کنید. ما بیش از همه از شما برای عیسی که بره عید فصح ما است تشکر می کنیم. به نام گرانبهای او دعا می کنیم، آمین.

ب. نام: یهوه و الشدای [4:49-3:15]

بسیار خوب، بیایید از اینجا شروع کنیم. دفعه قبل در پایان کلاس سوالی مطرح کردیم و به سوال پاسخ ندادیم. این خروج فصل 6 آیه 3 است که در آن آمده است، "من به ابراهیم، اسحاق و یعقوب به عنوان خدای قادر مطلق ظاهر شدم." کلمه خدای متعال، "خدا" از عبری چیزی خواهد بود، آیا می دانید آن چیست؟ یهوه خداوند ترجمه خواهد شد، که یهوه/یهوه خواهد بود. وقتی می گوید "خدا" معمولاً *ال* یا *الوهیم*. سپس "خدای متعال" است *ال شدای*. بنابراین *ال شدای*، او می گوید: "ابراهیم، اسحاق و یعقوب مرا به عنوان *ال شدای*." اما می گوید، "اما به نام خود یهوه خودم را به آنها نشناختم." پس نام یهوه را نمی دانستند. با این حال، وقتی به پیدایش فصل 49 آیه 18 می روید، یعقوب فرزندانش را برکت می دهد و می گوید، "ای خداوند، من در انتظار رهایی تو هستم،" یا "ای یهوه." پس یعقوب نام یهوه را می داند و فرزندانش را به نام یهوه برکت می دهد. با این حال خروج می گوید که ابراهیم، اسحاق و یعقوب نام آن را نمی دانستند. بنابراین ظاهر را به نظر می رسد این تنش وجود دارد، این تضاد، بین آنچه خروج می گوید که پدرسالاران نام یهوه را نمی دانستند، و پیدایش که می گوید نه، او می دانست.

ج. JEDP: نظریه انتقادی منبع [10:27-4:50]

اکنون منتقدان این را درک می کنند و می گویند: "ببینید آنچه در کتاب مقدس دارید منابع متفاوتی هستند و این اسناد منبع مختلف با یکدیگر در تضاد هستند. وقتی سردبیر آن اسناد منبع را کنار هم قرار داد، متن را برای رسیدگی به این تناقض صاف نکرد. بنابراین این به عنوان روش انتقادی منبع نگاه کردن به متن شناخته می شود و من اساساً می خواهم آن را مطرح کنم. بنابراین آنها پیشنهاد کردند که موسی هیچ یک از این مطالب را ننوشته است. اولین چیزی که آنها تصور می کنند این است که موسی هیچ یک از این ها را ننوشته است و در حدود 850 سال قبل از میلاد نویسنده ای بود که نام یهوه را ترجیح می داد. آنها این نویسنده را که از نام یهوه حمایت می کرد، منبع "J" می نامند. پس این نویسنده "J" است و وقتی می نویسد نام یهوه را ترجیح می دهد. او آن را در حدود 850 سال قبل از میلاد می نویسد. دو تاریخی که تاکنون برای این کلاس نیاز دارید چیست؟ آبراهام 2000 ساله است و 1000 کیست؟ دیوید. بنابراین اگر به شما بگویم 850 سال قبل از میلاد، آیا حدود 150 سال بعد از زمان داوود است؟ آیا ممکن است این را موسی نوشته باشد؟ نه. آیا موسی 400 سال قبل از داوود است؟ بنابراین این می گوید که 150 سال پس از داوود است، که این نویسنده J در حال نوشتن برخی از این تورات است. او نام یهوه را ترجیح می دهد. اکنون 100 سال پس از منبع "J"، یک منبع "E" وجود داشت و او نام الوهیم را ترجیح می دهد. نام الوهیم چیست، چگونه در کتاب مقدس شما ترجمه شده است؟ ترجمه شده است "خدا" و هر دو *ال* یا *الوهیم* می توان آن را "خدا" ترجمه کرد. یهوه، آنها چگونه یهوه را در کتاب مقدس شما ترجمه کردند؟ خداوند. این نام یهوه یا یهوه است وقتی در کتاب مقدس خود در تمام پایتخت ها با "خداوند" نوشته اید، یعنی نام یهوه است. آیا این منطقی است؟ پس یهوه و الوهیم، این دو نویسنده ای هستند که می نویسند. اتفاقی که می افتد این است که یک

نفر می آید و این سند J و سند E را می گیرد و آنها را کنار هم قرار می دهد. اما وقتی این کار را انجام دادند، ندیدند که این دو آیه با یکدیگر در تضاد هستند و بنابراین این چیزی است که آنها آن را درز بین این اسناد می نامند. آنها این دو سند را کنار هم قرار دادند و یک درز در اینجا وجود دارد که در آن یک خطا وجود دارد، یک تناقض بین دو سند کنار هم. سپس اتفاقی که می افتد این است که شما سند دیگری دارید و آن تنبیه است. او در حال نوشتن کتاب تنبیه است. تنبیه در این نظریه انتقادی در مورد سال 620 قبل از میلاد نوشته شده است، یعنی زمانی که یوشیا پادشاه کتاب شریعت را "پیدا می کند". منتقدان خواهند گفت که او واقعا آن را پیدا نکرده است، اما آیا آن را نوشته یا درست قبل از پادشاه شدن نوشته شده است. بنابراین تنبیه شناس مسئول نوشتن کتاب تنبیه است. سپس در آخر نویسنده P. نویسنده P یک نویسنده کشیشی است. بسیاری از اوقات این امر با عزرا، کشیش پس از تبعید (حدود 500 سال قبل از میلاد) مرتبط است. وقتی به تورات نگاه می کنید، آیا چیزهای کشیشی زیادی در تورات وجود دارد؟ چیزهای کشیشی کتاب لاویان است، نحوه انجام قربانی، نحوه انجام اعیاد و چیزهای مفصلی از این قبیل. بنابراین نویسنده کشیشی تمام این جزئیات کشیشی را وارد کرد. سپس تورات در حدود 450 سال قبل از میلاد از این چهار سند گردآوری شد. این نظریه JEDP نامیده می شود. آیا می دانید چرا به آن نظریه JEDP می گویند؟ و اینها اسنادی بودند که منتقدان می گویند نوشته شده اند، و سپس به نام موسی گردآوری شده اند. بنابراین آنچه در کتاب مقدس داریم در واقع توسط موسی نوشته نشده است. حال سوال: آیا این چیزی است که کتاب مقدس می گوید یا این همه حدس نظری است که آنها ساخته اند. بله، این حدس نظری است که آنها ساختند. آیا آنها تا به حال یک سند J یا یک سند E یا یک سند D پیدا کرده اند؟ آیا آنها تا به حال سند یا شواهد محکمی برای حمایت از این موضوع پیدا کرده اند؟ صفر. بنابراین همه اینها کاملا نظری است. در 19 ساخته شد هفتم قرن توسط مردی به نام جولوس ولهاوزن و در قرن بیستم به فرزندی پذیرفته شد. اگر شما بچه ها در یک زمینه دانشگاهی نشسته بودید، این نظریه را فرض می کردند. آنها احتمالا به چیزهای دیگری می روند، اما فرض بر این است که بر بسیاری از کارهای دانشگاه ها تأکید می کند. این اساسا یک نظریه انتقادی است که در همه جا آموزش داده می شود. حالا، راستی، آیا این با آنچه کتاب مقدس می گوید در تضاد است؟ آیا کتاب مقدس می گوید که موسی واقعا این را نوشته است؟ بله. کتاب مقدس می گوید که موسی این را نوشت. ما به شما ارجاعاتی داده ایم که موسی پیدایش را نوشته است. حالا آیا موسی تمام کتاب تنبیه را می نویسد؟ نه، زیرا او در انتهای کتاب مرده است، بنابراین نمی تواند آن را بنویسد. اما چه کسی موسی را دنبال می کند؟ جاشوا. پس آیا یوشع بقیه زندگی موسی را پر می کند؟ پیشنهاد این کار خیلی دشواری نیست زیرا آنها همیشه با هم کار می کردند. پس این نظریه JEDP است. حالا شما می گویند، "بسیار خوب، هیلدبرانت، چگونه مشکل را حل کردی؟ چرا کسی می گوید که ابراهیم، اسحاق و یعقوب نام یهوه را نمی دانستند؟ چیزی که من در اینجا پیشنهاد می کنم این است که این تئوری، به هر حال، این ساده است و هر چه به اینجا حرکت می کنید پیچیده تر می شود. بنابراین این منابع JEDP از ساده به پیچیده حرکت می کنند. چه نظریه دیگری از ساده به پیچیده حرکت می کند؟ بر اساس مدل

تکاملی ساخته شده است. این اساسا با داروینیسیم نیز بازی می کند. شما می دانید که مزایا و معایب چارچوب تکاملی وجود دارد، اما آنها به نوعی این را در نظریه منبع تعبیه کرده اند.

د. راه حلی پیشنهادی برای خروج 6: 3 [12:25-10:28]

حالا این روشی است که من به این موضوع به عنوان یک راه حل نگاه می کنم. می گوید: "ابراهیم، اسحاق و یوسف مرا به نام یهوه نمی شناختند." حالا می گوید: «یک لحظه صبر کنید، ابراهیم نام یهوه را نمی دانست؟» یک دقیقه صبر کنید هیلدبرانت، به ابله برگردید، این 400 سال قبل از ابراهیم است، در ابله نام "یهوه" ذکر شده است. ظاهرا نام "یهوه" 400 سال قبل از زندگی ابراهیم شناخته شده بود. پس آیا می گوید که او نام را نمی داند یا معنای نام را نمی داند؟ چیزی که من به شما پیشنهاد می کنم این است که خدا این را می گوید: آنها مرا به عنوان الهی می شناختند، من نزد آنها آمدم و به ابراهیم قول دادم، و اسحاق را وعده دادم، و به یعقوب قول دادم، من در کتاب پیدایش وعده دهنده بزرگ بودم، من همه این چیزها را وعده دادم. شما موسی مرا به عنوان یهوه خواهید شناخت، زیرا اکنون می خواهم به شما نشان دهم که من نگهبان عهد هستم. خواهی دید که من به قولم عمل می کنم. ابراهیم، اسحاق و یعقوب مرا به عنوان وعده دهنده می شناختند. ای موسی، تو نام مرا یهوه خواهی دانست که من خدایی هستم که به وعده هایم عمل می کند. و شما خواهید دید که من به وعده هایم به اسرائیل عمل می کنم. من می خواهم اسرائیل را از سرزمین مصر آزاد کنم، آنها را به سرزمین موعود می آورم و سرزمینی را که به پدرشان ابراهیم وعده داده بودم به آنها می دهم. بنابراین آنچه در اینجا گفته می شود این نیست که آنها نام را نمی دانستند، آنها نام را می دانستند، اما معنی نام را نمی دانستند. آنها دیده بودند که خدا همه این وعده ها را می دهد اما هرگز ندیده بودند که خدا به همه این وعده ها عمل کند. حال، در خروج، یهوه/یهوه به موسی اعلام می کند، اکنون خواهی دید که من به قولم عمل می کنم. من می خواهم آنها را بیرون بیاورم و به سرزمین موعود بیاورم. پس آیا تفاوت را در آنجا می بینید؟ آنها معنای نام را نمی دانستند، می دانستند چگونه نام را بگویند. اکنون موسی می تواند تحقق وعده را ببیند.

E. گذرگاه داماد خونین [16:43-12:26]

حالا چه اتفاقی برای زیپورا می افتد؟ در پایان فصل 4، موسی می رود، خدا می گوید، "موسی به مصر برگرد و قوم من را نجات بده، آنها را از آنجا بیرون بکش." پس موسی برمی گردد و در راه بازگشت، با چیزی برخورد می کند. فصل 4.24 به بعد این را می گوید، "در یک محل اقامت در راه، خداوند موسی را ملاقات کرد و نزدیک بود او را بکشد." حالا آن "او" که قرار بود کشته شود کیست؟ موسی بود یا پسر؟ عبری واقعی در آنجا تا حدودی مبهم است. می گوید "او" اما شما نمی دانید "او" کیست. آیا این بچه است یا موسی؟ بنابراین، "او" می خواست او را بکشد، اما زیپورا، یعنی "بانوی پرنده"، همسر موسی، "یک چاقوی سنگ چخماق برداشت و پوست ختنه گاه پسرش را قطع کرد و با آن پاهای موسی را لمس کرد. مطمئنا تو برای من داماد خون هستی! پس خداوند او را تنها گذاشت." اینجا چه اتفاقی می افتد؟ جالبه، او پوست ختنه گاه پسرش را قطع می کند و با آن

پاهای موسی را لمس می کند. حالا باید با معنای کلمه "پا" کمی صادق باشم. آیا می دانید حسن تعبیر چیست؟

A حسن تعبیر زمانی است که می خواهید چیزی بگویید که مناسب نیست، بنابراین حسن تعبیر می کنید و چیز دیگری می گوید. پس وقتی کسی می میرد، آیا می گوید، "او مرد" یا می گوید، "او درگذشت" یا "او رفت تا با خداوند باشد؟" اگر آنها بگویند، "آنها رفتند تا با خداوند باشند،" شما می گوید، "آه!" اگر به شما بگویند "او مرد"، خیلی خوب نیست. بنابراین آیا حسن تعبیر مرگ و چیزهای بد را می بینید؟ کلمه "پا" در عبری می تواند به معنای اندام تناسلی مردان نیز باشد. حالا من نمی خواهم شما به کتاب مقدس بروید و بگویید، "هیلدبرانت می گوید کلمه "پا" همیشه به معنای "اندام تناسلی مرد" است. پس هر بار که می بینید و "عیسی پاهای شاگردان را شست" و می گوید، "گاو مقدس!" می فهمی؟ من باید از آن عقب نشینی کنم، متاسفم. من نباید از آن به عنوان مثال استفاده می کردم. او می گوید که آنها صندل هایشان را در می آورند، آیا واقعا واضح است که صندل ها روی شما هستند یا؟ اما چیزی که من به شما می گویم این است که حدود دو یا سه متن در کتاب مقدس وجود دارد که از این کلمه "پا" برای اشاره به چیز دیگری استفاده می کند. آیا کسی کتاب روت را به یاد دارد؟ روت با بوعز وارد می شود و پاهای او را باز می کند. شما باید چند سوال دیگر نیز در آنجا بپرسید. این یکی از آن قسمت ها است. آیا ربطی به ختنه دارد؟ بنابراین مردم پیشنهاد می کنند که پسرش را ختنه کند و پوست ختنه گاه او را بگیرد و "پاها" موسی را لمس کند؟ آیا نمادگرایی را در آنجا از پسر تا پدر می بینید؟ اما تنها چیزی که می گویم این است که این اتفاق زیاد رخ نمی دهد، در کتاب مقدس به ندرت اتفاق می افتد، اما اتفاق می افتد. من سعی می کنم با شما بچه ها صادق باشم. پس اول از همه، خدا به چه کسی حمله کرد؟ آیا خدا به موسی حمله کرد یا به پسر حمله شد؟ این متن تا حدودی مبهم است. چرا خدا به او حمله کرد، هر کسی که بود؟ سپس سوال سوم در اینجا مطرح می شود: آیا داستان های مشابهی در کتاب مقدس وجود دارد؟ آیا کسی داستان بلعام را به یاد دارد؟ و خدا به بلعام می گوید، "بسیار خوب، تو می توانی بروی." به یاد داشته باشید، او می خواهد برود، بالا می گوید، "بلعام، من به تو پول می دهم تا پایین بیایی و اسرائیل را به خاطر من نفرین کنی." در ابتدا خدا می گوید، "با او نروید، آن مرد شما را وادار می کند که اسرائیل را نفرین کنید." آن مرد برمی گردد و می گوید، "هی، اگر پایین بیایی و به من خدمت کنید، هر چه می خواهید به شما می دهم." پس خدا می گوید، "بسیار خوب، بلام، تو می توانی بروی." پس بلعام می رود و چه اتفاقی می افتد؟ فرشته ای با شمشیر می آید و می خواهد بلعام را در راه پایین بکشد.

بنابراین شما می گوید یک دقیقه صبر کنید، خدا به او می گوید که برود اما این فرشته آنجا است و با او مخالفت می کند. بنابراین شما این ایده را دریافت می کنید که خدا به کسی می گوید که برود اما سپس این مخالفت وجود دارد. به هر حال، آیا این چیز مشابهی است که در مورد جیکوب دیدید؟ یعقوب فراخوانده می شود تا به اسرائیل بازگردد، وقتی به اسرائیل باز می گردد، این فرشته خداوند با او ملاقات می کند و با او کشتی می گیرد و باسن خود را بیرون می آورد. شما این را دریافت کنید و به سرزمینی بروید که من به شما نشان خواهم داد و سپس این مخالفت را از خدا دریافت می کنید. به نظر می رسد در اینجا یک الگوی مشابه است و روش های مختلفی برای

نگاه کردن به آن وجود دارد.

F. سه رویکرد به گذرگاه داماد خونین [23:57-16:44]

من می خواهم سه راه را پیشنهاد کنم که بر اساس سه نفر ساخته شده است که در اینجا پیشنهاداتی ارائه کرده اند. اولی مردی به نام بروارد چایلدر است، او در دانشگاه بیل بود و فکر می کنم اکنون بازنشسته شده است. او سالها پیش پیر شده بود. او یک محقق بزرگ عهد عتیق از دانشگاه بیل است. او می گوید که پسر بیمار بود و این خدا بود که پسر را زد که "او" در آنجا موسی نیست، بلکه پسر است. پسر بیمار بود و سپس پسر ختنه شد و پسر بهتر شد. این چیزی است که به آن یک داستان اتیولوژیک. آیا فرهنگ های مختلف داستان های متفاوتی دارند که توضیح می دهد چرا کارها را به روشی خاص انجام می دهند؟ فرهنگ های مختلف داستان های متفاوتی خواهند داشت. به عنوان مثال، اگر کسی در کلاس عطسه کند، شما چه می گوئید؟ عافیت باشه. آیا داستان هایی وجود دارد که توضیح دهد چرا می گوئید "برکت بده"؟ فرهنگ های مختلف چیزهای متفاوتی دارند. در فرهنگ ماساچوست، یاد گرفتم که وقتی به اینجا رسیدم سه بار به عقب ماشینم کوبیدم. سه بار کسی به عقب من حمله کرد. داشتم در تابلوی ایست توقف می کردم و بام، از پشت ضربه خوردم. در تابلوی دیگری توقف می کنم و از عقب ضربه می خورم. بعد از مدتی یاد گرفتم چی؟ آیا مردم در ماساچوست علائم توقف خود را می چرخانند؟ بله آنها انجام می دهند. من پشت ماشینم خراب شدم زیرا علامت ایست را نچرخاندم، بنابراین آنها درست به پشت من برخورد کردند. بنابراین سوال، آیا بعد از مدتی اشاره ای دریافت کردم؟ من اهل این منطقه نیستم، پس حالا چه کار می کنم؟ به هر حال، من نمی گویم، شما بچه ها به عنوان دانشجو باید این کار را انجام دهید. پلیس دوست دارد دانشجویان را سوار کند، بنابراین وقتی به علامت ایست می رسید، توقف کنید. تنها چیزی که به شما می گویم این است که مردم در اینجا علائم توقف می چرخانند. حالا چرا مردم در ماساچوست تابلوهای ایست را نصب می کنند؟ کسی این داستان اتیولوژیک را به من گفت که چرا آنها را می چرخانند. زیرا در زمستان برف اینجا یک مشکل است. اگر در زمستان توقف کنید، چه اتفاقی برای ماشین شما می افتد؟ گیر می کند. بنابراین شما علائم توقف خود را می چرخانید، و سپس آنها این کار را در تمام طول سال انجام می دهند. آیا می بینید که چگونه این مانند داستانی بود که آنها برای توضیح برخی از پدیده ها تعریف کردند. بنابراین پیشنهاد این است که در اینجا داستان به ما می گوید که چرا موسی ختنه می کند. بنابراین این یک داستان علت شناختی است که می گوئیم به همین دلیل است که ما ختنه می کنیم. خدا نزدیک بود بچه موسی را بکشد، او ختنه شد، او نجات یافت، و به همین دلیل است که یهودیان ختنه می کنند. چنین داستانی را داستان علت شناختی می نامند. اکنون دیدگاه دوم توسط والتر کایزر انجام شده است. والتر کایزر برای مدتی رئیس مدرسه علمیه گوردون کانول بود. او یک محقق بزرگ عهد عتیق و همچنین یک کلیسای انجیلی است. او می گوید که موسی کسی بود که بیمار بود. وقتی خدا "او" را زد، موسی بود و پسر ختنه شد. نکته داستان اطاعت است. موسی پسر خود را ختنه نکرده بود و بنابراین خدا موسی را فرا می خواند تا بگوید: "اگر می خواهی قوم من را رهبری کنی، باید از من اطاعت کنی." رهبر

باید مطیع باشد به عنوان الگویی برای افرادی که تحت فرمان او هستند. پس او می گوید، "ای موسی، تو باید مطیع من باشی و پسر خودت اینطور نیست." در اینجا دلیل دومی وجود دارد که من به نوعی پیشنهاد قیصر را مطرح می کنم. برخی از مردم این را پیشنهاد می کنند که پسر موسی باید ختنه شود زیرا عید فصیح را به یاد دارید؟ در عید فصیح چه کسی می میرد؟ پسر اول. اگر پسرش ختنه نشده باشد، آیا پسرش می تواند بماند و عید فصیح را بخورد. یا پسرش باید با خون روی در بیرون برود زیرا پسر ختنه نشده است. اگر پسر بیرون در باشد، چه اتفاقی برای آن پسر می افتد؟ او مرده است. پس چیزی که خدا می گوید این است، "موسی، بعدا موقعیتی پیش می آید، بچه ات را ختنه کن تا بتواند عید فصیح را با تو بخورد و بیرون رانده نشود." بنابراین این می تواند مانند یک پیش بینی باشد که او به این مشکل رسیدگی می کند. به هر حال، این استدلال حدسی است. آیا متن کتاب مقدس این را می گوید؟ نه، این حدس و گمان از طرف من است. من فقط فکر می کنم ممکن است حقیقتی در آن وجود داشته باشد. بنابراین این والتر کایزر است که بر اطاعت تأکید می کند. پس چرا زیپورا اینقدر تیک خورده است؟ زیپورا در واقع واقعا عصبانی می شود و معلوم می شود که آلن راس می گوید که موسی کتک خورده و پسر ختنه شده است. چیزی که من در مورد بحث داماد خونین راس دوست دارم این است که توضیح می دهد چرا زیپورا اینقدر عصبانی بود. آنچه آلن راس پیشنهاد می کند این است که زیپورا به ختنه نوجوانان عادت داشت. در برخی فرهنگ ها نوجوانان را ختنه می کنند. مشکل پسر بودن چیست؟ خوب، چندین مشکل وجود دارد، اما یکی از مشکلات پسر بودن... وقتی دختری به سن خاصی می رسد، آیا بدنش نشان می دهد که دختر به زن تغییر می کند. و قطعا چیزهایی در بدن او اتفاق می افتد. در بسیاری از فرهنگ ها انتقال پسران به مردان یک مشکل است. برخی از فرهنگ ها از چیزهایی مانند بار میتزوا برای نشان دادن زمانی که یک پسر مرد می شود استفاده می کنند. این سوال بسیار خوبی به نظر می رسد. چه زمانی پسر مرد است؟ این چیزی است که من از آن می ترسیدم، برخی از زنان می گویند، "هرگز." بخشی از پسر است که با همه ما می ماند، حداقل با این پسر، و من الان یک پیرمرد هستم. بنابراین از آنجا که فرهنگ این مشکل را دارد، به ویژه در مورد مردان در حال گذار به بزرگسالی، برخی از فرهنگ ها از ختنه نوجوانان به عنوان نوعی دروازه یا آیین عبور استفاده می کنند. هنگامی که پسر ختنه شد، اکنون از او در جامعه بزرگسالان استقبال می شود. بنابراین زیپوره به ختنه نوجوانان عادت دارد و به ختنه نوزادان عادت نداشت. نوزاد به معنای ختنه نوزاد است. بنابراین وقتی او مجبور است کودکی را ختنه کند که برای بزرگسالی آماده نیست، واقعا از موسی ناراحت است. ختنه کردن یک نوزاد از دیدگاه او ناخوشایند است. چه کسی این کار را با یک نوزاد بی گناه انجام می دهد؟ چیزی که من به شما می گویم این است که این بهترین زمان در زندگی برای انجام آن است. اما به هر حال، بنابراین او واقعا ناراحت می شود، راستی، در روایت آیا زیپورا، "بانوی پرنده"، پرواز می کند؟ آیا وقتی موسی در مصر است رفته است؟ زیپوره کجاست؟ او در هیچ کجا یافت نمی شود. میریام آنجاست. هارون آنجاست و مردم آنجاست. بسیاری از مردم فکر می کنند و من با این موافق هستم، به نظر می رسد که زیپورا به پدرش يترو، کاهن مدیان در سینا بازگشته است. بنابراین او

در واقع برمی گردد و موسی را در نتیجه این کار ترک می کند. او ناراحت می شود و می رود. بنابراین او در متن ظاهر نمی شود، او به دنبال این رفته است. من این تفسیر را دوست دارم زیرا خشم زیپورا و اینکه چرا ممکن است آنجا را ترک کرده باشد توضیح می دهد. باز هم، این تا حدودی حدس و گمان است، اما فکر می کنم بسیاری از جزئیات را منطقی می کند.

ز. تاریخ خروج [24:28-23:58]

حال، موسی چه زمانی از دریای سرخ یا دریای نی عبور کرد؟ تاریخ خروج یکی از داغ ترین موضوعات مورد بحث در کتاب خروج است. وقتی این را در یک دوره در سطح کالج مرور می کنیم، باید توجه داشته باشید که بحث بزرگی در مورد تاریخ اولیه و تاریخ دیر هنگام خروج وجود دارد. من می خواهم استدلال ها را مرور کنم و سپس تجزیه و تحلیل آن را انجام دهیم. بنابراین بحث بزرگی در مورد اینکه موسی چه زمانی مصر را ترک کرد، وجود خواهد داشت.

H. تاریخ اولیه: 1445 قبل از میلاد [30:13-24:29]

اول از همه می خواهم تاریخ اولیه را به شما بدهم. تاریخ اولیه اکثر مردم به حدود سال 1445 قبل از میلاد 1440 می رسد، نظریه تاریخ اولیه نامیده می شود. تاریخ اولیه را از کجا آوردند؟ آنها آن را از کتاب مقدس در اول پادشاهان فصل 6 آیه 1 می گیرند و شما باید بتوانید این را بفهمید، "480 سال قبل از سال چهارم سلیمان، موسی از مصر بیرون آمد." حالا، شما تاریخ سلیمان را نمی دانید اما تاریخ چه کسی را می دانید؟ دیوید 1000 سال قبل از میلاد است. سلیمان قبل است یا بعد از داوود؟ سلیمان پسر داوود بود، بنابراین وقتی پسرش است، معمولاً دنبال می شوند. بنابراین ما 1000 دیوید را داریم، اکنون به دهه 960 رسیده ایم. اگر 480 را در نظر بگیرید و آن را به 965 اضافه کنید، در نهایت به این تاریخ 1445 قبل از میلاد خواهید رسید. آیا می بینید که آنها آن را از کجا می آورند؟ داوود 1000 سال قبل از میلاد است و سلیمان درست بعد از آن، حدود 30 یا 40 سال پس از آن، و شما 480 سال قبل از سال چهارم سلیمان را در نظر می گیرید، سپس شما را در حدود 1445 قبل از میلاد برمی گرداند. بنابراین کتاب مقدس در مورد این دوره 480 ساله به ما می گوید، اما نه فقط در پادشاهان. در کتاب داوران فصل 11 آیه 26، یفتاح یک قاضی است. به یاد دارید که چگونه گفتیم این اردن است، دریای جلیل، رود اردن، دریای مرده؟ شما بچه ها اسرائیل هستید و شما دریای مدیترانه هستید. یفتاح اینجا است و با عمونی ها می جنگد و به عمونی ها می گوید: "خانواده من 300 سال است که مالک این ملک هستند." حالا آیا این چیزی به شما می گوید؟ او می گوید: "خانواده من 300 سال است که این قلمرو را در اختیار دارند." آن قلمرو چه زمانی به دست آمد؟ در زمان موسی. یفتاح چه زمانی زندگی می کند؟ یفتاح حدود 1100 سال قبل از میلاد است، بنابراین اگر یفتاح بگوید که خانواده من 300 سال است که مالک این هستند و 1100 سال قبل از میلاد است، این شما را به چه تاریخی برمی گرداند؟ 300 + 1100 شما را به دهه 1400 باز می گرداند. بنابراین به نظر می رسد که این دو آیه کتاب مقدس از این تاریخ اولیه پشتیبانی می کنند و بنابراین این چیز خوبی است. اکنون استیل مرنبتا وجود دارد. اول از همه، استیل چیست؟ سنگ قبر چگونه است؟ سنگ قبر صخره ای است که معمولاً حدود 6 اینچ ضخامت دارد، به نوعی گوشه های گرد در این ارتفاع. یک استیل شبیه سنگ قبر است، فقط آنها حدود شش فوت ارتفاع دارند. و اتفاقی که می افتد این است که آنها از سنگ ساخته شده اند. آنهایی که دیدیم حدود شش فوت قد و 4 اینچ ضخامت داشتند. آنها از سنگ ساخته شده بودند. آنها چیزهایی را در صخره

تراشیده می کنند. من فرعون بزرگ مصر هستم و همه تعظیم می کنند و پاهای مرا می بوسند." بنابراین آنها در جلوی این استل حاکمی می کردند، در پشت آنها، گاهی اوقات در کناره های آنها. و اینها "استیل" نامیده می شوند. شما یاد می گیرید که چگونه این ستون ها را بخوانید و آنها به شما تاریخ می گویند. روی لوح مرنپتا می گوید، و ما می دانیم که تاریخ مرنپتاح حدود 1200 سال قبل از میلاد است، می گوید که اسرائیل در این سرزمین بوده است. اگر اسرائیل در ساعت 1200 در این سرزمین چادر می زند، پس باید قبل از آن وارد آن شده باشند. بنابراین تاریخ 1445 به خوبی با اسکان اسرائیل در این سرزمین در 1200 مطابقت دارد، آنها در 1400 آمدند و آنها زمان برای اقامت داشته اند. بنابراین این استیل مرنپتا در حمایت از این تاریخ اولیه است. در آخر نامه های آمارنا هستند. این حروف واقعا نامه های شسته و رفته ای هستند. آنها به زبان آکادی نوشته شده اند. نامه های آمارنا، اینها چیست؟ درست در اینجا اورشلیم است. ییوسی یا مرد کنعانی که پادشاه اورشلیم است به فرعون نامه می نویسد و ما در واقع نسخه هایی از این نامه ها را داریم. قدمت این نامه ها به 1400 سال قبل از میلاد باز می گردد. ابی هبه از اورشلیم به فرعون مصر می نویسد و می گوید: «فرعون، چرا به ما کمک نمی کنی؟ من از شما کمک می خواهم. این گروه به نام هابیرو ما را جمع می کنند و بر ما غلبه می کنند و ما به کمک شما نیاز داریم فرعون. چرا کمک نمی کنید؟ من قبلا برایت نوشته ام اما شما به من کمک نمی کنید. این هابیرو در همه جا می آیند.» حالا این کمی چه شکلی به نظر می رسد؟ "هابیرو" شبیه "عبری" به نظر می رسد و در گذشته برخی از محققان این را مطرح کرده اند که هابیرو عبرانیان بوده اند. این کار را نکنید. این نادرست است. هابیرو گروه بسیار بزرگتری نسبت به عبرانیان است. در بین النهرین هابیرو وجود دارد، که گروه هابیرو بسیار بزرگ است، آیا ممکن است که عبرانیان یک نوع یا زیر مجموعه از هابیرو باشند؟ هابیروس ها بیشتر شبیه کولی هایی بودند که از جایی به مکان دیگر حرکت می کنند و اکنون در حالی که این انبوهی از آنها سرگردان هستند و زمین را تسخیر می کنند، وارد می شوند. پادشاه اورشلیم از فرعون کمک می خواهد. چرا فرعون به او کمک نمی کند؟ آیا ممکن است که فرعون در خروج دم خود را به صدا درآورده باشد و بگوید من دیگر با آن یهودیان سر و کار ندارم. به نظر می رسد این حروف آمارنا با این تاریخ 1400 سال قبل از میلاد مطابقت دارد. به همین دلیل است که من در واقع این تاریخ زودهنگام را برگزار می کنم.

I. تاریخ متأخر برای خروج: 1260 قبل از میلاد [39:58-30:14]

اکنون، برخی از دوستان خوب من به چیزی که تاریخ دیر هنگام نامیده می شود، پایبند هستند. آنها اگر بخواهند این امتیاز را دارند که اشتباه کنند. نه در واقع آنها ممکن است درست باشند و من ممکن است اشتباه کنم. این یکی از آن سوالاتی است که من در مورد آن مطمئن نیستم. فکر می کنم حق با من است، اما می توانم بفهمم که چرا آنها آنچه را که می گویند می گویند. تاریخ متأخر به حدود 1260 سال قبل از میلاد برمی گردد. بنابراین شما تاریخ اولیه [حدود 1440 قبل از میلاد] و تاریخ متأخر [حدود 1260] را دارید، این یک بحث بزرگ است. آنها می گویند اولین و قوی ترین استدلال آنها خروج 1.11 است. می گوید که «اسرائیلی ها دو شهر ساختند، یکی به

نام پیتوم و دیگری به نام رامسس». شهر رامسس احتمالا به افتخار چه کسی ساخته شده است؟ رامسس. رامسس دوم، که رامسس بزرگ است، مربوط به حدود 1200 سال قبل از میلاد است. بنابراین اگر آنها شهری می ساختند، به این رامسس می رسید. به هر حال، آیا تا به حال فیلم "ده فرمان" را دیده اید؟ فرعون در ده فرمان با سر طاس، نام او یول برینر بود. به هر حال، او نقش رامسس را بازی می کند. بنابراین در فیلم ده فرمان، آنها کدام تاریخ را گرفتند، تاریخ دیر هنگام یا تاریخ اولیه؟ آنها تاریخ دیر هنگام را گرفتند و رامسس را فرعون کردند. به هر حال، آیا کتاب مقدس هرگز نام فرعون را به ما می گوید؟ هرگز این کار را نمی کند. در واقع این با سوابق اولیه قبل از 1000 سال قبل از میلاد مطابقت دارد، زیرا قبل از 1000 سال قبل از میلاد معمولاً نام فرعون را نمی گذاشتند. پس از آن دوره، آنها او را فرعون نکو، شیشک یا هر چیز دیگری می نامند. رامسس اینجاست، خروج 1.11 می گوید که آنها این شهر را به افتخار رامسس ساختند، بنابراین تاریخ 1200 مناسب تر است. سطوح سوختگی در لاکیش استدلال دیگری برای تاریخ متأخر خروج است. سطوح سوختگی چیست؟ اول، ما باید کمی باستان شناسی انجام دهیم. بنابراین شما از کالج گوردون می روید، می خواهید با بچه های ویتون روی اشکلون کار کنید. شما می خواهید بروید یک تلفن را حفاری کنید. تلفن چیست؟ این یک تپه شهر است، شهرهای لایه لایه ای در بالای شهرها. مثل یک کیک لایه ای است. حالا، راستی، کجایی؟ بگذارید از جریکو برای مثال استفاده کنم. اول از همه، اگر می خواهید شهری در دنیای باستان بسازید، اولین چیزی که نیاز دارید چیست؟ شما باید آب داشته باشید. آیا می خواهید شهری در بیابان بسازید؟ نه. آیا می خواهید آن را با چشمه بسازید یا چاه؟ همه شهرها نزدیک چشمه ها یا چاه ها هستند زیرا شما باید آب داشته باشید. حالا وقتی آب دارید، بیایید جریکو را انجام دهیم. جریکو این چشمه بزرگ را دارد. شهر شما از سطح زمین شروع می شود. شما یک دیوار در اطراف شهر خود می سازید و سپس زباله های خود را کجا می گذارید؟ در سطل بازیافت و آن را بیرون می آورند. خب، حالا ما در مورد 8000 سال قبل از میلاد صحبت می کنیم، زباله های خود را کجا می گذارید؟ مردم زباله های خود را مانند ماساچوست می گذارند. آنها فقط زباله ها را در خیابان می اندازند. پس چه اتفاقی می افتد؟ آنها زباله ها را در خیابان می اندازند، راستی آیا شن و ماسه به داخل شهر دمیده می شود؟ و بنابراین ناگهان شهر تمایل به انجام چه کاری دارد؟ زباله، زباله بیشتر، زباله، زباله، آیا شهر ساخته می شود؟ بنابراین در تل اریحا، روی زمین صاف شروع شد، اما تا زمانی که این کار انجام می شود، اکنون 75 فوت ارتفاع دارد. 75 فوت ارتفاع دارد و لایه به لایه شهرها در سنین مختلف است. حالا بیایید باستان شناس باشیم. شما در بالای تپه 75 فوتی ایستاده اید. چه کاری می خواهید انجام دهید؟ شما می خواهید آن را حفر کنید. بنابراین کاری که شما انجام می دهید این است که اساساً یک مربع 10 در 10 فوت مربع دریافت می کنید و سپس به چه چیزی نیاز دارید؟ شما به برده نیاز دارید، بنابراین به کالج گوردون و سایر کالج ها می روید و می گوید: "آیا دوست ندارید باستان شناس باشید و واقعا می توانید باستان شناسی بخوانید!" بنابراین شما به آنجا بروید و آنها شما را به برده تبدیل می کنند. شما در نهایت 10 در 10 فوت مربع حفر می کنید و آنها به شما یک مسواک می دهند تا همه این چیزها را حفر کنید. چرا

از شما می خواهند از مسواک استفاده کنید؟ آنها نمی خواهند شما چیزی را بشکنید و همه چیز را باید ضبط کنید همانطور که از لایه ها پایین می روید باید هر چیز کوچکی را ضبط کنید و عکس بگیرید. حالا شما در حال حفاری این 10 فوت مربع هستید و یک راه پایین می روید. آیا می توانید بگویید که خاک رنگ خاصی دارد؟ ناگهان به یک لایه خاص می رسید و خاک همه سیاه و دوده می شود. بنابراین شما یک لایه 6 اینچی دوده در آنجا دارید، بلافاصله چه فکر می کنید؟ من فکر می کنم در واقع آن مرد یک اجاق هیزمی داشت و از کنترل خارج شد و خانه اش را سوزاند. آیا ممکن است آن مرد خانه اش را اینجا سوزانده باشد؟ حالا فرض کنید ما شروع به حفاری در آنجا می کنیم، و وقتی به همان لایه می رسیم، به این لایه دوده ضربه می زنیم. به هر حال، دوده خاک را لکه دار می کند؟ خاک را لکه دار می کند. ما به یک لایه خاص می رسیم و رونق می گیریم و یک لایه دوده 6 اینچی دیگر داریم. ما یک لایه دوده در آنجا و یک لایه دوده در اینجا داریم. حالا به چه نتیجه ای می رسم؟ شهر در آن لایه به آتش کشیده شد. بنابراین این چیزی است که به آن لایه سوختگی می گویند. و این چیزی است که به آن تلفن می گویند. یک تل یک تپه شهر است و سپس باستان شناسان حفاری می کنند. به هر حال هر چه بیشتر حفاری کنند، پیرتر می شود یا جوانتر؟ هر چه بیشتر کاوش کنید، پیرتر می شود. سپس شما سعی می کنید به تاریخ چیزها با کربن 14 دوستیابی، با دوستیابی سفال، با مواد باقی مانده قدمت، شما سعی می کنید به تاریخ چیزها در هر سطح به عنوان شما حفاری پایین. آنچه آنها دریافتند این است که لایه های سوختگی وجود دارد که نشان می دهد شهر لاکیش در حدود 1200 سال قبل از میلاد سوزانده شده است. در واقع، در حدود 1200 سال قبل از میلاد در چندین شهر فلسطین یافت می شود، به این معنی که احتمالاً جاشع وارد شده و چندین شهر را دود کرده و آنها را سوزاند؟ بنابراین برخی از مردم معتقدند که این جاشع است که در حدود 1200 سال قبل از میلاد چیزهایی را می سوزاند، که با این تاریخ 1200 خروج مطابقت دارد. آیا می بینید که این بحث چگونه پیش می رود؟ به هر حال، باستان شناسی واقعا چیز فوق العاده ای است، اما آیا گرم و خشک است و کار زیادی دارد. چرا می خواهید به اشکلون بروید به این دلیل است که ساحلی درست در مجاورت دریای مدیترانه وجود دارد که حدود 50 یارد دورتر است. این جایی است که باید بروید. شما فقط باید از برخی موشک های عربی از غزه طفره بروید اما به غیر از آن مشکلی ندارید. حالا دلیل دیگری نیز وجود دارد. کتاب مقدس می گوید که آنها 480 سال قبل از سلیمان از مصر بیرون آمدند. چگونه از شر این 480 خلاص می شوند؟ آنچه آنها پیشنهاد می کنند این است که یک نسل 40 سال است. 40 سال در هر نسل چند برابر چه چیزی برای شما 480 می گیرد؟ آیا کسی در اینجا رشته ریاضی دارد؟ چند نسل 40 ساله طول می کشد تا 480 سال به دست آورید؟ 12 نسل. حالا از شما می پرسم چند سال بین شما و پدر و مادرتان؟ آیا معمولاً 40 سال است؟ خب نسل شما ممکن است باشد، اما آیا برخی از پدربزرگ و مادر بزرگ شما در سن 18 سالگی از دواج کردند؟ مادرم وقتی 19 ساله بود مرا به دنیا آورد. اگر دخترانم پیش من آمدند، بیابید حتی به آن فکر نکنیم. بگذارید وارد آن نشوم. بنابراین چیزی که من می گویم این است که آیا واقعا 40 سال است یا بیشتر شبیه 20 سال بین نسل ها است. بنابراین اگر آن را 20 سال در نظر

بگیرید، با آن عدد 480 چه می کند؟ آن را از وسط نصف می کند. بنابراین چیزی که آنها پیشنهاد می کنند این است که 12 نسل از 40 روشی است که این طرح ارائه شده است، اما یک نسل واقعی 20 است، بنابراین در واقع 240 سال بود و نه 480 سال کامل. به این ترتیب آنها این تعداد را کاهش می دهند. موسی چند سال در بیابان بود؟ 40 سال. بنابراین آن دوره زمانی 40 ساله ممکن است فقط یک نوع اندازه گیری استاندارد باشد. آنها آن را به نسل برچسب زدند. آنها ممکن است این کار را کرده باشند. این افراد در اینجا این نوع انقباض را پیشنهاد می کردند. این حدس و گمان است. ما این کار را نمی کنیم، اما منطقی است زیرا یک نسل کوتاه تر است. تقویم آنها برخی از آنها خاموش بود، آنها تقویم های قمری و چیزهای مختلف را انجام می دادند، اما چندان دور نبود. این مانند صدها سال است. ما از آن تقویم قمری در واقع در برخی از جشن ها استفاده خواهیم کرد. ما می توانیم از تقویم های مختلف استفاده کنیم و این به ما کمک می کند. اما وقتی 480 سال به 240 سال می رسد، این ما را به آنجا نمی رساند. این استدلال را ذخیره کنید، این یک استدلال عالی است و بعد از آن استفاده خواهیم کرد. بنابراین تاریخ اولیه و تاریخ دیر هنگام. آیا این واقعا چیزهای خسته کننده است؟ بله. بنابراین ما ادامه خواهیم داد، اما این یک بحث بزرگ در کتاب خروج است، در مورد اینکه آیا 1400 یا 1200 سال قبل از میلاد بوده است. این یک بحث بزرگ است و افراد خوبی در هر دو طرف این موضوع وجود دارند.

J. تعداد اسرائیلی هایی که مصر را ترک می کنند [52:03-39:59]

در اینجا یک سوال دیگر وجود دارد. این یکی واقعا مشکل است. چند نفر مصر را ترک کردند؟ در اینجا شما اظهارات را دارید، اظهارات واضح در خروج 12: 37 و دوباره در 38: 26 تکرار شده است، و در کتاب اعداد دوباره آن را تکرار می کند. به یاد دارید که اعداد چگونه قبایل را شماره گذاری کردند؟ بنابراین در مجموع 600000 مرد از مصر بیرون آمدند. در کتاب اعداد 603500 مرد وجود دارد، بنابراین 600000 مرد از مصر بیرون می آیند. حالا مشکل آن چیست؟ 600,000 مرد، 20 ساله و بالاتر. آیا مردان معمولا همسر دارند؟ ما سعی می کنیم بفهمیم چند نفر از مصر خارج شده اند، بنابراین اگر شما 600000 مرد را از مصر بیرون بیاورید، آیا به من می گویند که هر مرد اسرائیلی یک زن دارد؟ حالا مشکل آن چیست؟ یک مرد، یک زن، ما فقط این کار را انجام می دهیم. بنابراین 600000 مرد و 600000 زن وجود دارد. و به هر حال، یکی احتمالا از دیگری پیشی گرفت زیرا مصری ها سعی داشتند نرها را بکشند، بنابراین احتمالا تعداد زنان بیشتری وجود داشت، مانند کالج گوردون. اما بیابید فرض کنیم 600000 مرد، 600000 زن. آیا می توانید برای هر خانواده دو فرزند آمریکایی خوب به من بدهید؟ حالا مشکل دو فرزند در آن فرهنگ چیست؟ آیا در آن فرهنگ ممکن است کسی 10 یا 12 فرزند داشته باشد؟ برخی از آنها هیچ کدام نخواهند داشت، اما آیا دو تا به من می دهید. اگر شما این کار را انجام دهید و آن را جمع کنید، این تعداد هر کدام 600000 مرد و زن و دو کودک، در نهایت 2.4 میلیون نفر از مصر خارج می شوند. آیا این یک مشکل است؟ آیا این تعداد زیادی از مردم است؟ آیا هیچ یک از شما بچه ها تا به حال برای 4 ژوئیه به بوستون رفته اید؟ اگر فرصتی برای انجام این کار پیدا کنید، باور نکردنی است. حالا که آتش

بازی در بوستون تمام می شود، همه همزمان می روند. آیا تا به حال آنجا بوده اید؟ شما نیمی از مردم را دارید که سعی می کنند از این خیابان ها عبور کنند. آنها فقط خیابان ها را می بندند و مردم در وسط خیابان ها قدم می زنند. جمعیت بوستون چقدر است؟ وقتی در این ازدحام قرار می گیرید، فقط انبوهی از مردم هستند. 600,000 نفر در بوستون زندگی می کنند. مشکل چیست؟ 2.4 میلیون نفر اکنون شما آنها را در بیابان پیاده روی می کنید، آیا این مشکلی خواهد بود؟ خوب، بگذارید فقط به برخی از این چیزها اشاره کنم. آب چطور؟ شما 2.4 میلیون نفر را با مشکلات آب دارید، آنها در صحرای سینا هستند. آیا آب مشکل دارد؟ بگذارید در مورد صحرای سینا به شما بگویم، من 3 هفته در صحرای سینا زندگی کردم. اورا لپیشیتز یک متخصص در سینا بود که ما را پایین می آورد. اورا می آید و به ما می گوید وقتی به بیابان می روید، بدنانت تشنه بودن شما را ثبت نمی کند. بنابراین اتفاقی که خواهد افتاد این است که بدن شما می گوید من به آب نیاز ندارم، بنابراین شما باید این کراکرها را بخورید. شما این کراکرها را می خورید زیرا دهانت را آب می کند و بعد می گوید دهانم خشک است، باید چیزی بنوشم. شما کراکر را می خورید و سپس به بدن شما می گوید که باید چیزی بنوشم. اگر کراکر را نخورید، چه اتفاقی می افتد؟ بدن شما می گوید تشنه نیست، سپس بدن شما از صحرا کم آب می شود. ما این شخص آلمانی را داشتیم، من او را هانس صدا می کنم. بنابراین هانس، مرد بزرگ و سرسخت آلمانی می گوید، "وقتی آماده شدم می نوشم. من بدمن را می شناسم." بنابراین ما در بیابان هستیم، 3 روز بعد چه اتفاقی برای هانس پیر بیچاره می افتد؟ او در پشت اتوبوس است که می چرخد (ناله می کند) و این سردرد شدید را دارد. حالا وقتی کم آبی می شوید چه اتفاقی می افتد؟ مغز شما بیشتر از چه چیزی ساخته شده است؟ حالا، من این را به عنوان یک شوخی بلوند نمی گویم. مغز شما بیشتر از چه چیزی ساخته شده است؟ آیا یک تن آب در مغز شما وجود دارد؟ پس وقتی کم آبی می شوید، چه اتفاقی برای مغز شما می افتد؟ مغز شما کوچک می شود. حالا وقتی مغز شما کوچک می شود، از جمجمه شما بیرون می کشد، و این چه بلایی با شما می کند؟ مانند بدترین سردرد میگرنی که هرگز در زندگی خود نداشته اید درد می کند. شما نمی توانید ببینید. در واقع می تواند بر بینایی شما تأثیر بگذارد. مغز شما به این دلیل کوچک می شود و با غلتیدن هانس در پشت، آیا او بدترین سردردی را که در زندگی اش داشته است داشته است؟ همه می دانستند که او کراکر نمی خورد، انگار که درست به او خدمت می کرد. هیچ این را نمی گوید، اما همه ما به آن فکر می کردیم. به هر حال، بنابراین اورا به آنجا برمی گردد و یک کلمه به او می گوید: "کراکر؟" پس از آن، پولی در حال خوردن کراکرهاش بود. وقتی از کوه سینا بالا رفتیم، ساعت 3 صبح آنجا را ترک کردیم زیرا هوا سرد بود و مجبور بودیم یک گالن آب حمل کنیم. چیزی که من می گویم این است که شما حداقل به یک گالن آب در روز نیاز دارید. وقتی با یک گالن در روز در سینا هستید، مشکل چیست؟ شما 2.4 میلیون نفر و یک گالن آب در روز برای هر یک از آنها دارید. مشکل آن چیست؟--2.4 میلیون گالن. شما به من بگویید که چقدر آب است؟ چند نفر از شما موسی را تصور می کنید که به سمت این صخره می پرد، چوب کوچکش را می گیرد و به صخره ضربه می زند و کمی آب بیرون می آید؟ شما 2.4 میلیون نفر دارید، آیا به یک لوله ده اینچی نیاز دارید که آب را

منفجر کند؟ 2.4 میلیون نفر، آیا این مقدار زیادی آب به صورت روزانه است؟ غذا چطور؟ وقتی جوان تر بودم فکر می کردم من مانند برف می بارد. شما 2.4 میلیون نفر دارید. من چهار فرزند دارم، غذا دادن به چهار بچه چقدر طول می کشد؟ می خواهم به شما بگویم، چیزهای زیاد. قبلا فکر می کردم این مانا است که به پایین شناور است. آیا برای تغذیه 2.4 میلیون نفر باید قطارهای پر از من داشته باشید؟ برای تغذیه 2.4 میلیون نفر به تن و تن غذا نیاز دارید. این یکی دیگر است. هانا گفت که آنها پراکنده شده اند، این دقیقا درست است. من در سینا بوده ام. سینا این کوه های گرانیته را دارد. مشکل کوه های گرانیته چیست؟ کوه های گرانیته پاهای شما را قطع می کنند. راه رفتن روی آنها بسیار سخت است. شما روی کوه ها راه نمی روید، در دره ها قدم می زنید. حالا اگر شما در دره ها قدم بزنید و 2.4 میلیون نفر داشته باشید، آیا این آنها را پخش می کند؟ این امکان وجود دارد که افراد جلو آب داشته باشند و سه روز طول بکشد تا افراد عقب به آنجا برسند. 3 روز دیگر در بیابان چه اتفاقی می افتد؟ شما پخته شده اید. چیزی که من می گویم این است که آنها به این شکل در وادها پخش می شوند. وادی ها اصطلاح دیگری برای دره های بین کوه ها هستند. در مورد ماماها چطور؟ شما بچه ها در مورد ماماها در فصل 4 خوانده اید. نام دو ماما شیفر و پوآ بود. آیا کسی شیفر و پوآ را به یاد می آورد؟ شما دو ماما و 2.4 میلیون نفر دارید. آیا ما در اینجا مشکلی داریم؟ من اهل ورشو، ایندیانا بودم. من کل بیمارستان ورشو، ایندیانا را به شما می دهم. اگر شما 2.4 میلیون نفر داشته باشید، آیا آن بیمارستان می تواند به این تعداد نفر خدمات ارائه دهد؟ هیچ شانس وجود ندارد. در مورد گرفتن کنعان چطور؟ اسرائیل، آنها جاسوسان را به زمین فرستادند. غول هایی آنجا هستند. اگر شما 2.4 میلیون نفر داشته باشید، آیا غول ها مشکل ساز هستند؟ تنها کاری که انجام می دهید این است که شهر را محاصره کنید و همه غذا را بخورید. غول های بزرگ چیزی برای خوردن ندارند زیرا شما فقط تمام غذا را خورده اید. 2.4 میلیون نفر مانند ملخ خواهند بود، غول ها از گرسنگی خواهند مرد. برایم مهم نیست که او چقدر بزرگ است، هر چه بزرگتر باشد، سخت تر می افتد زیرا به غذای زیادی نیاز دارد و چیزی برای خوردن در آنجا وجود نخواهد داشت. بنابراین چیزی که من می گویم این است که 2.4 میلیون نفر تعداد زیادی از مردم است. حالا شما می گوید، "هیلدبرانت با این چه کار می کنی؟" تنها چیزی که به شما می گویم این است که 2.4 میلیون نفر هستند، به هر حال، اگر کتاب مقدس این را بگوید، آیا من آن را باور می کنم؟ آیا این موضوع را حل می کند؟ در ذهن من می گویم: "2.4 میلیون نفر، تعداد زیادی از مردم در بیابان اینطور هستند. و سپس اندازه، من فقط نمی توانم آن را تصور کنم." این برای من یک مشکل است. حالا چه کار می کنید؟ برخی از مردم این کلمه را می گیرند *فیل* که اصطلاح عبری برای "هزار" است. آنها کلمه هزار را در زبان عبری می گیرند و کلمه را می گویند *فیل* می توان آن را "هزار" ترجمه کرد، اما می توان آن را "قبیله" یا "خانواده" نیز ترجمه کرد. و پس از آن 600 قبیله یا خانواده خواهد بود. آنها اندازه قبیله، اندازه خانواده را مشخص می کنند و این حدود 72,000 نفر خواهد بود. به هر حال، آیا 72000 نفر هنوز گروه بسیار بزرگی هستند که باید از صحرا عبور کنند؟ این هنوز بسیار بزرگ است، اما آن را محدود می کند. بنابراین برخی از مردم از آن استفاده می کنند

فیل و در نظر گرفتن آن به عنوان "قبیله" برای پایین آوردن آن. هنوز این کار را نمی‌کند... این راه حل هرگز واقعا مرا راضی نکرده است. کلمه *فیل* کلمه ای برای هزار است، بنابراین 600 هزار یا 600 "طایفه". بنابراین کلمه 600 قبیله خواهد بود، و ما 50 قبیله یا چیزی شبیه به آن داریم. بنابراین اندازه را محدود می‌کند. این یکی از مشکلات کتاب مقدس است، صادقانه بگویم، من راه حل این را نمی‌دانم. احتمالا باید از این موضوع بگذرم، اما بخشی از آن را می‌خواهم ببینید این است که وقتی با مشکلی در کتاب مقدس مواجه می‌شوید که نمی‌دانید چگونه آن را حل کنید، چه می‌کنید؟ آیا ممکن است آنها از سیستم پایه متفاوتی نسبت به آنچه ما استفاده می‌کنیم استفاده کرده باشند؟ ما از یک سیستم ده پایه استفاده می‌کنیم. آیا ممکن است مانند بابل که آنها یک سیستم پایه 60 دارند، بنابراین آنها متفاوت شمارش می‌کنند؟ ممکن است. چیزی که من می‌گویم این است که با این مشکل، نمی‌دانم راه حل چیست. برخی از مردم فکر می‌کنند که این عدد اغراق آمیز است، برای تأکید اغراق آمیز است. باز هم، من از آن شگفت زده شدم. کتاب مقدس همیشه از اغراق استفاده می‌کند، اما معمولاً با جملات "همه" یا چیزی است که معمولاً کاملاً واضح است. اعدادی که آن را پیش بینی می‌کنند، نمی‌دانم آیا شواهدی برای آن وجود دارد یا خیر. بنابراین این یکی از مواردی است که من با آن گیر کرده‌ام. به عبارت دیگر، چیزی که می‌خواهم بگویم این است: آیا چیزهایی در کتاب مقدس وجود دارد که هنوز باید حل شوند؟ این یکی از آن مشکلات بزرگ است و من مطمئن نیستم که دقیقاً چگونه آن را حل کنم. من خیلی به آن فکر کرده‌ام، با آن دست و پنجه نرم کرده‌ام، در مورد آن خوانده‌ام، و هنوز هم نمی‌دانم. حدس من این است که نحوه شماره گذاری آنها با روش ما متفاوت است و ما اعداد آنها را متفاوت از آنچه که آنها معنی می‌دهند درک می‌کنیم. به طوری که روشی که آنها چیزها را شمارش می‌کردند و مفهوم سازی می‌کردند با روشی که ما آن را درک می‌کردیم متفاوت است. من فکر می‌کنم که دو فرهنگ ما در این مورد شماره گذاری یکدیگر را از دست داده‌اند. به عبارت دیگر، چیزی که می‌خواهم به شما بگویم این است که نمی‌دانم. ای کاش این کار را می‌کردم، محققان زیادی خوانده‌ام و فکر نمی‌کنم کسی واقعا بداند. پیشنهادات زیادی وجود داشته است، اما پیشنهادات همه از هم می‌پاشند. این چیزی است که ما نمی‌دانیم. آیا افراد زیادی بودند که از مصر بیرون آمدند؟ افراد زیادی بودند که از مصر بیرون آمدند. بیایید از کلمات "زیاد" استفاده کنیم. این یکی از آن مشکلات است. چگونه با چنین درگیری‌هایی برخورد می‌کنید؟ چیزی که من می‌خواهم بگویم این است که درگیری‌هایی در کتاب مقدس وجود دارد که شما را به عقب برمی‌گرداند و شما فقط تعجب می‌کنید که چگونه این مشکل را حل می‌کنید. من فکر می‌کنم ما فقط برخی از داده‌ها را در مورد اینکه چگونه آنها به معنای درک این چیزها بودند از دست داده‌ایم. من فکر می‌کنم از نظر تعداد بین دو فرهنگ گم شده است.

ک. آفت های مصر: سه دلیل برای بلاها [55:56-52:04]

حالا چرخه های طاعون، ما با چرخه های طاعون چه داریم؟ حداقل سه دلیل برای ده بلا مصر وجود دارد. دلیل اول این بود که این دآوری در مورد خدایان مصر بود. در خروج فصل 12 آیه 12 می‌گوید که او این

بلاها را می آورد، «در همان شب از مصر عبور خواهم کرد و هر نخست زاد، انسان و حیوان را خواهم کشت و خدایان آنها را داوری خواهم کرد.» یکی از خدایان اصلی مصر کیست؟ او می گوید من می خواهم اولین فرزند آنها را بگیرم، خود فرعون را خدا می دانستند. خدا می گوید من اولین فرزندش را می گیرم. او نمی تواند از فرزند خود محافظت کند. آنها او را مومیایی کردند و اساسا او را به زندگی پس از مرگ فرستادند. روشی که آنها خدایان خود را تصور می کنند، برخی از خدایان آنها به دو قسمت تقسیم می شوند و آنها بین خدایان نبرد می کردند و یک خدا خدای دیگری را می کشت. بنابراین خدایان آنها بسیار شبیه انسان بودند. دلیل دوم این است: «تا بدانند که من یهوه هستم». خدا در بلاها گفت که او می خواهد فاش کند که کیست. بنابراین در بلاها شما مکاشفه شخصیت، قدرت، قدرت و قدرت خدا را خواهید دید. این در اینجا اتفاق خواهد افتاد، "تا بدانند که من یهوه هستم." طاعون ها شخصیت او را آشکار می کنند. سپس سوم، به نظر می رسد که این وجود داشته باشد *قانون قصاص* ماهیت آن. حالا چیست *قانون قصاص*? *سافلکس* به معنای "قانون" است، *قصاص* به معنای "انتقام" است، قانون تلافی جویی. اگر من به "تو چشم در برابر چشم، دندان در برابر دندان"، این است *قانون قصاص*. آنچه در خروج 4: 23 در اینجا دارید این است که خدا می گوید، فرعون با نخست زاده خدا چه کرده است؟ فرعون سعی کرده است نخست زادگان خدا را با کشتن نوزادان، از طریق دور کردن نور روز از آنها و از طریق به بردگی کشیدن آنها نابود کند. چیزی که قرار است اتفاق بیفتد این است که خدا می گوید، "بنابراین چون شما به دنبال نابودی فرزند اول من بودید، من فرزند اول شما را خواهم گرفت. تو فرعون، تو به عنوان خدا قادر به محافظت از فرزند خود نیستی. شما بچه من را نابود می کنید، بچه شما رفته است." بنابراین این نوع مانند چشم در برابر چشم، دندان در برابر دندان وجود دارد. این قانون انتقام است. [سوال از دانش آموز] بله، این عهد جدید است و ما چیزهایی را برای عهد جدید می گذاریم. چیزی که من پیشنهاد می کنم این است که شما باید بسیار مراقب باشید که برخی از اظهارات موعظه روی کوه را به عنوان مثال بگیرید و سعی کنید آنها را جهانی کنید. من می دانم که مردم این کار را می کنند، آنها سعی می کنند بیانیه هایی را از موعظه روی کوه بگیرند و آنها را جهانی کنند. تنها چیزی که می خواهم بگویم این است که راه های مختلفی وجود دارد که خود خدا کارها را انجام می دهد. آیا خدا شالوم و صلح را ترجیح می دهد، بله، اما آیا زمان های دیگری وجود دارد که خدا در جنگ است. بنابراین شما نمی توانید یک جمله واحد را بگیرید و آن را اینگونه جهانی کنید. من می ترسم که مردم این کار را انجام می دهند که عیسی را با چرخاندن گونه دیگر خود را بر روی یک شخص. من فکر می کنم اگر کتاب مکاشفه را بخوانید، او خیلی ضعیف نیست. بنابراین شما باید مراقب آن باشید، اما واقعا خوب است که تنش را احساس کنید، زیرا ما می خواهیم تنش را احساس کنیم و با آن دست و پنجه نرم کنیم.

L. سخت شدن قلب [57:54-55:57]

حالا، آیا خدا قلب مردم را سخت می کند؟ در اینجا شما چند بیانیه دارید، چه کسی قلب فرعون را سخت کرد؟ در اینجا شما بیانیه ای دارید که خدا آن را در فصل 4.21 سخت کرده است، جایی که ما فقط بودیم. می گوید:

«خدا می گوید، من به تو قدرت داده ام که [معجزات] انجام دهی، اما دل او را سخت خواهم کرد تا مردم را رها نکند.» او قلب فرعون را سخت خواهد کرد، اما می دانید چه چیزی جالب است؟ خدا قلب فرعون را سخت کرد، اما دسته ای از متن ها نیز وجود دارد که می گوید فرعون قلب خود را سخت کرد. پس در رستاخیز همسر چه کسی خواهد بود؟ به عبارت دیگر، آیا خدا قلب فرعون را سخت کرد؟ بله. اما فرعون قلب فرعون را نیز سخت کرد. پس پاسخ این است که چه؟ بله. به عبارت دیگر، آیا خدا در فعالیت ها دخیل است و نوع بشر نیز در فعالیت ها دخیل است. این ما را به نوع اراده آزاد و سرنوشت برمی گرداند. آیا خدا چیزها را تعیین می کند؟ بله. آیا نوع بشر چیزها را تعیین می کند؟ بله. آیا ممکن است دو آژانس روی یک رویداد کار کنند؟ از دیدگاه خدا، خدا قلب فرعون را در قضاوت در مورد فرعون به دلیل بدی هایی که انجام داده است، سخت می کند و خدا قلب او را به عنوان داوری بر او سخت می کند. آیا ممکن است که فرعون قلب خود را در شورش علیه خدا سخت کند؟ بنابراین آنچه شما دارید یک رویداد است که به دو دلیل متفاوت اتفاق می افتد و منظور خدا از آن یک چیز است و فرعون با آن به معنای چیز دیگری است. این همان رویداد است. پس چه کسی قلب فرعون را سخت کرد؟ خدا آن را سخت کرد و فرعون آن را سخت کرد.

م. طاعون در مصر [61:13-57:55]

حال، ده بلا مصر وجود داشت. من نمی خواهم همه اینها را بدانید. من می خواهم شما چهار مورد از آنها را یاد بگیرید. آنهایی که به رنگ زرد هستند آنهایی هستند که می خواهم شما یاد بگیرید. اکنون اولین طاعون طاعون مار است. آیا به یاد می آورید که موسی عصای خود را به زمین انداخت و مار شد؟ ساحران عصاهای خود را به زمین انداختند و مارها شدند. سپس چه اتفاقی می افتد؟ مار موسی چه می کند؟ آنها را می خورد. به هر حال، آیا مار نماد قدرت مصر است؟ روی تاج فرعون چیست؟ چه چیزی از جلوی آن بیرون می آید؟ یک مار کبرا. بنابراین مار نمادی از قدرت مصر است. مار موسی چه می کند؟ آن را می خورد و نابود می کند. بنابراین مار یک طاعون معروف است. سپس به رودخانه برخورد می کند و رودخانه مانند رنگ قرمز خون می شود. بنابراین رودخانه به خون تبدیل می شود. آیا نیل در مصر خدا محسوب می شد؟ بله. مصر هدیه نیل است. بنابراین نیل از نظر خون پایین می آید. حالا شما همه این موارد دیگر را دارید: قورباغه ها، پشه ها، مگس ها، تگرگ، ملخ ها و چیزهای دیگر. تاریکی، چرا تاریکی مهم است؟ Ra یا Re خدای خورشید است. آیا خدای خورشید خدای بزرگ مصر است؟ بنابراین چیزی که خدا می گوید این است که من خدای خورشید را پایین می آورم و او باعث تاریکی می شود. در نهایت، فرزند اول، من فکر می کنم که فرزند اول داوری بر فرعون است، زیرا فرعون نمی تواند از پسر خود محافظت کند. پس اینها کسانی هستند که می خواهم شما بدانید: مار، خون، تاریکی و نخست زاده. آنها خدایان دیگری داشتند، خدایان گاو، خدایانی که من در سینا می دیدم هاتور است، حتحور خدای گاو است. حال این الگو در اینجا الگوی طاعون است. خدا اعلامیه ای صادر می کند و خدا به موسی می گوید: "ای موسی، من می خواهم طاعون بسازم،" و خدا دستور می دهد. موسی، عصای خود را

بردار، در کنار رودخانه پایین برو، و تو و هارون به آنجا بروید.» پس خدا مقداری می دهد دستور العمل، موسی به رودخانه فرود می آید و به رودخانه ضربه می زند و آن را قرمز می کند و سپس ساحران چه می کنند؟ **شعبده بازان کپی می کنند** آن. یک دقیقه دیگر به شعبده بازان نگاه خواهیم کرد. من همیشه فکر می کردم اگر شعبده بازان اینقدر قدرتمند هستند، به جای اینکه طاعون را تکرار کنند، باید چه کاری انجام دهند؟ آفت ها را خنثی کنید. بنابراین، به عبارت دیگر، موسی به رودخانه ضربه می زند تا خون شود. شعبده بازان اگر چیزی در خود داشتند، آن را به آب برمی گردانند. اما آنها معجزات را تکرار می کنند، و این جالب است. **سپس فرعون پاسخ می دهد** معمولاً می گفتند، "لطفاً این همه مگس را متوقف کنید، جلوی خوردن این ملخ ها را بگیرید." فرعون درخواست کمک می کند. **سپس موسی و خدا پاسخ می دهند** معمولاً در لطف عقب نشینی از طاعون. سپس پس از آنکه موسی و خدا عقب نشینی کردند، **قلب فرعون سخت می شود**. هنگامی که قلب او سخت می شود، شما دوباره به طاعون بعدی شروع می کنید. پس این چرخه است، آیا می توانید ببینید که چگونه همه بلاها در این چرخه عبور کردند، و قلب فرعون سخت می شود و در چرخه بعدی دوباره شروع می شود. این چرخه ای است که در کتاب خروج در مورد ده بلا اتفاق می افتد.

N. شعبده بازان به عنوان فویل [63:12-61:14]

حالا، جادوگران در واقع یک فویل برای موسی هستند و بنابراین جادوگران واقعا در روایت بسیار مهم هستند. در ابتدا جادوگران با موسی مخالفت می کنند، بنابراین آنها برای موسی فویل هستند. موسی معجزه ای انجام می دهد، جادوگران آن را تکرار می کنند. بنابراین در ابتدا با موسی و هارون مخالفت می کنند. آنها یک فویل هستند، بنابراین یک مخالفت وجود دارد. اما آنچه به اندازه کافی جالب است این است که در طول طاعون پشه ها این است که جادوگران مصری نمی توانند آن را انجام دهند. جادوگران مصری اعتراف می کنند: "این انگشت خداست." بنابراین چیزی که شما دارید این است که شعبده بازان از طریق یک انتقال می روند. آنها در ابتدا با موسی مخالفت می کنند، اما اکنون در نهایت به شهادت و شهادت قدرت موسی و خدا از طریق موسی تبدیل می شوند. آنها به فرعون هشدار می دهند که این دیگر فقط حقه های جادویی نیست، "این انگشت خداست." بنابراین این یک انتقال جالب است که شعبده بازان از آن عبور می کنند. در اینجا چیز دیگری است که در طول طاعون اتفاق می افتد. به نظر می رسد سرزمین گوشن جدایی وجود دارد. آیا کسی به یاد می آورد که چه زمانی تگرگ وارد شد و تگرگ مصر را بمباران کرد و همه چیز را نابود کرد؟ در گوشن خوب است. خدا قوم خود را در سرزمین گوشن از هم جدا می کند و بلاها فقط بر مصر می آیند. این جدایی از گوشن وجود دارد، جایی که اسرائیلی ها زندگی می کنند، و اساساً طاعون بر آنها نمی افتد. خدا از قوم خود محافظت می کند زیرا دیگران را قضاوت می کند. این یک نوع چیز شسته و رفته است.

O. فصیح [69:47-63:13]

حالا بیا ببینید عید فصیح را اینجا بزنیم. عید فصیح در فصل 12 اتفاق می افتد. بگذارید فقط از این طریق

عبور کنیم. اگر فرصتی برای رفتن به مراسم عید پصح یهودی پیدا کردید، به آن بروید، واقعا ارزش دیدن مراسم عید فصح را دارد. سه چیز در مراسم عید فصح دخیل است. یکی از آنها بره است. چه اتفاقی برای بره می افتد؟ آنها بره را می کشند، خون را تخلیه می کنند و با خون بره چه می کنند؟ آنها آن را روی چارچوب درها و روی لنگه قرار دادند. وقتی فرشته مرگ به پایین نگاه می کند و خون را می بیند، فرشته چه می کند؟ عبور می کند. نام عید فصح از اینجا آمده است. فرشته مرگ وقتی خون را روی چارچوب درها می بیند "می گذرد". آیا کسی به یاد می آورد که "وقتی خون را ببینم، از شما می گذرم"؟ قبلا یک سرود قدیمی بود که این واقعه عید فصح دیدن خون و گذشت را روایت می کرد. راستی با بره چه می کنند؟ آنها بره را روی آتش باز کباب می کنند و آن شب بره می خورند. آنها قرار است کل بره را در یک شب بخورند. گوشت بره گوشت خوبی است. بنابراین آنها بره را می خورند و خون را روی در می گذارند، این اتفاقی است که برای بره می افتد. امروزه آنها بره ها را نمی کشند، اما در آن زمان احتمالا آن را در یک کاسه می گذاشتند و سپس از یک سواب برای تمیز کردن خون اطراف چارچوب در استفاده می کردند. گیاهان تلخ، آنها باید گیاهان تلخ را می خوردند تا بردگی تلخ در مصر را به آنها یادآوری کنند. امروزه از چه چیزی برای گیاهان تلخ استفاده می کنند؟ آیا کسی تا به حال به مراسم عید پصح رفته است؟ آیا کسی ترب کوهی انجام می دهد؟ آیا آن را امتحان کرده اید؟ پدرم عاشق ترب کوهی بود. تنها چیزی که می توانم بگویم این است که وقتی آن را می خورید، مثل این است که در بینی مو دارید، دیگر مو ندارید. همه چیز را از شما می سوزاند. شما فقط به کمی نیاز دارید، و در واقع اگر باهوش باشید، زودتر از موعد آن را بو خواهید کرد. بو برای شما کافی است تا بدانید که این مواد را نمی خورید. برخی از مردم ترب کوهی می خورند، پدرم ترب کوهی را کاملا می خورد. شما می خواهید چیزی تلخ را بجشید، ترب کوهی را امتحان کنید. آیا کسی ترب کوهی را دوست دارد؟ بنابراین افرادی هستند که ترب کوهی را دوست دارند. بنابراین برای گیاهان تلخ اکنون ترب کوهی می خورند تا غوطه ور شوند. (سوال از دانش آموز). چشمان شما شروع به آبریزش می کند. تقریبا مثل پیاز است که فقط بدتر است. سوم نان فطیر است. چرا باید نان فطیر بخورند؟ این جشن عید فصح جشن فطیر را آغاز می کند. جشن فطیر به مدت 7 روز به طول انجامید. خدا گفت که شما باید آنقدر سریع از مصر خارج شوید که وقت ندارید اجازه دهید نان بالا بپاید. به عبارت دیگر، برای اینکه نان بالا بپاید، باید بگذارید بماند و مخمر کار کند و نان رشد کند. او می گوید شما باید آنقدر سریع بروید که وقت نخواهید داشت. نان فطیر بخورید. حتی تا به امروز، اگر در زمان عید فصح به اسرائیل بروید. به هر حال، زمان عید فصح برای ما به عنوان مسیحیان عید پاک است، این زمانی است که عیسی قرار است بمیرد، شام خداوند و سپس او می میرد. بنابراین درست در اطراف عید پاک ما عید فصح آنهاست. وقتی تا به امروز به اسرائیل می روید و اگر وارد یک فروشگاه مواد غذایی می شوید، عید فصح را انجام می دهید، یک سکه برای یک قرص نان بود. من در یک فروشگاه مواد غذایی در اسرائیل بوده ام، و شما نان را از قفسه برمی دارید، در کاغذ پیچیده نمی شود، آن را برمی دارید و هنوز گرم است. آیا این خوب است؟ این واقعا خوب است. مثل نان خانگی است. ما آن را به خانه

برده ایم و خورده ایم، نان عالی است. حالا مشکل این است که در عید فصیح می خواهید وارد شوید و نان خود را بخرید، مشکل چیست؟ آیا تا به حال آن کاغذ قصاب سفید را دیده اید؟ و ناگهان به محل نان می روید که این نان فوق العاده در آن قرار دارد، و همه چیز با کاغذ قصابی سفید پوشانده شده است و آنها به شما نان خمیرمایه ای نمی فروشند. این بدان معناست که شما باید کراکر بخورید. من به ساندویچ کره بادام زمینی و ژله ام نیاز دارم، هر روز از زندگی ام آن را می خورم و پس چه کار کنم؟ اگر نان خمیرمایه ای به شما ندادند، به بخش عرب ها بروید و نان را از آنجا بخرید. چیز دیگری که باید بگویم این است که آنها این شیرینی ها را حدود یک سکه درست می کنند. شما یک نان شیرینی مانند این می گیرید، یک قرص نان است، گرد است و دانه های کنجد روی آن است. من هرگز آخرین شیرینی خود را از دروازه دمشق فراموش نخواهم کرد. من از دروازه دمشق بیرون می آیم و این شخص عرب در حال فروش این شیرینی ها است. بنابراین من این نان شیرینی را از او می خرم و سپس یک لقمه از آن می خورم و شیرینی واقعا خوبی بود و گرسنه هستم. تنها مشکل این است که وقتی برای لقمه دوم برگشتم، به شیرینی نگاه کردم و فقط یک چیز بدتر از دیدن یک مگس در شیرینی شما وجود دارد، و آن دیدن نیمی از مگس، من این کار را کردم. نصف مگس آنجا بود، و من قبلا قورت داده بودم، و این آخرین نان شیرینی من از آنجا بود، دیگر نمی توانستم این کار را انجام دهم. شما در آن فرهنگ آنقدر به آن عادت می کنید که اجازه می دهند غذا بیرون بماند. غذا فقط بیرون نشسته است و مگس ها، بعد از مدتی به آن عادت می کنید. اما هرگز نمی توانستم به آن عادت کنم. بنابراین به هر حال، فطیر، آنها به مدت 7 روز با فطیر می روند و این عید فصیح است که جشن هفت روزه فطیر را آغاز می کند. بچه ها چطور؟ من عاشق روشی هستم که یهودیان با فرزندان شان در جشن هایشان رفتار می کنند. در فصل 12.26 نقش کودکان را شرح می دهد. در بسیاری از کلیساهای ما با بچه ها چه می کنیم؟ آیا بچه ها را اخراج می کنیم و آنها را از آنجا بیرون می آوریم؟ بچه های یهودی در آن شرکت می کنند. بچه ها دوست دارند چه کاری انجام دهند؟ سوال بپرسید. بنابراین در اینجا می گوید، وقتی فرزندان شما می پرسند، "این مراسم به چه معناست؟ سپس به آنها بگویید که این عید فصیح است، قربانی برای خداوندی که از خاندان بنی اسرائیل در مصر گذشت." بنابراین اتفاقی که می افتد این است که از بچه ها خواسته می شود و اجازه می دهند سوال بپرسند، و سپس والدین به سوالات بچه ها پاسخ می دهند. این چه بلایی با ساختار خانواده می کند؟ آیا این خانواده ها را به هم پیوند می دهد؟ بچه ها با پرسیدن سوالات با والدین خود در عبادت شرکت می کنند که به هر حال می خواهند انجام دهند. بنابراین با بچه ها زیبا است و نحوه ترکیب آنها زیبا است.

پ. عید فصیح و شام خداوند [71:41-69:48]

حالا در مورد شام خداوند چطور؟ "عیسی در همان شبی که به او خیانت شد، نان گرفت و آن را شکست و گفت: "این بدن من است که برای شما شکسته شده است." بنابراین شام خداوند در واقع جشن عید فصیح با بره است، فقط این بار، چه کسی قرار است بره شود؟ عیسی قرار است بره عید فصیح باشد. نان شکسته است. به هر

حال، بسیاری از شما در کلیساها تا به امروز وقتی عشاى ربانى مى كنيد، بر اساس عيد فصح نان فطير درست مى كنيد. عيسى چه مى گويد؟ عيسى مى تواند هر زمانى بميرد، اما چه زمانى تصميم مى گيرد بميرد؟ درست در عيد فصح، زيرا عيسى خروج جديد است. همانطور كه موسى آنها را از بردگى در مصر نجات داد، عيسى اكنون آنها را از اسارت گناه نجات مى دهد. پس عيسى در حال خروج جديدى است و عيسى كيست؟ در اول قرن نينيان فصل 5 آيه 7، پولس به ما مى گويد كه عيسى بره عيد فصح ماست. آيا به ياد داريد كه عيسى روى صليب بود و به اندازه كافى سريع نمى مرد؟ آنها مى خواستند با او چه كنند تا سريعتر بميرد؟ آنها پاهاى او را مى شكند، زيرا وقتى روى صليب هستيد خفه مى شويد زيرا نمى توانيد نفس بکشيد. اگر آنها پاهاى شما را بشكند، ديگر نمى توانيد خودتان را نگه داريد. به هر حال، آيا قرار بود استخوان هاى بره عيد فصح را بشكند؟ نه. آيا قرار بود استخوان هاى عيسى شكسته شود؟ نه. درست همانطور كه در اشعيا 53، مزمور 22، قسمت هاى شگفت انگيز مصلوب شدن عيسى پيشگويى شد، استخوان هاى عيسى شكسته نشدند. پس عيسى بره عيد فصح ماست. بنابر اين كل اين حركت به سوى آزادى، خروج از مصر در مسيح به ما تبديل مى شود.

Q. موسى از كجا از درياى نى عبور كرد؟ [72:30-71:42]

حالا اين سوال ديگرى است كه مطرح مى شود. موسى از كجا از درياى نى عبور كرد؟ حالا توجه كنيد كه من با گفتن "درياى ريد" آراسته مى شوم. در زبان عبرى، اين اصطلاح است يام صوف، كه در واقع به معناى واقعى كلمه به معناى "درياى نى" است. سيب زمينى به معناى "دريا" است، صوف به معناى "نى" است، بنابر اين يام صوف به معناى "درياى نى" است. اين به معناى درياى سرخ نيست، به معناى درياى نى است. پس سوال اين است كه اين كدام دريا است. بنابر اين دو پيشنهاده اصلى وجود دارد، و سپس من اين مرد از ويسكانسين را داشتم كه حدود سه ماه به من ايميل مى زد و مرا در مورد رفتن به عربستان مورد ضرب و شتم قرار مى داد. من به شما نشان مى دهم كه او فكر مى كند عبور از درياى نى از عربستان عبور كرده است. او خيلى قوى فكر مى كرد، فكر مى كنم اشتباه مى كند، اما به هر حال.

R. خدا به عنوان جنگجو [76:08-72:31]

پس بياييد اينجا با اين بچه ها كار كنيم، اما قبل از اينكه اين كار را انجام دهيم، اجازه دهيد به اين يكي بپردازم. آنها مى خواهند از درياى نى عبور كنند و اين بيانى را از كتاب مقدس، فصل 14 آيه 14 بررسى كنند، اين مى گويد: "موسى به مردم پاسخ داد: "نترسيد، ثابت قدم باشيد و خواهيدديد كه خداوند امروز رهاى را براى شما به ارمغان خواهد آورد. مصرى هاى كه امروز مى بينيد ديگر هرگز نخواهيدديد. خداوند براى شما خواهد جنگيد، فقط بايد ساكت باشيد." خداوند براى شما خواهد جنگيد. "آيا خدا درگير جنگ مى شود؟ خروج 15.3 چه مى گويد؟ اين مى گويد، "خداوند يك جنگجو است." آنها بعد از عبور از دريا آواز مى خوانند و در ستايش خدا آواز مى خوانند و يكي از چيزهاى كه خدا را ستايش مى كنند اين است كه "خداوند يك جنگجو است. يهوه نام

اوست. ارا به های فرعون و سپاهیان را به دریا انداخته است.» "خداوند یک جنگجو است." چیزی که من می گویم این است که نسل شما همه صلح، عشق و صلح و عشق است. آیا خدا جنگجو است؟ در واقع برخی از بچه ها امروز مانند چیزهای قدیمی دهه 60 لباس پوشیده بودند. آیا خدا جنگجو محسوب می شود؟ آیا این یکی از عناوین خدا است که او جنگجو است؟ واقعا خنده دار است، من می شنوم که همه این افراد می گویند جنگ راه حل نیست. آیا گاهی اوقات جنگ پاسخ است؟ گاهی اوقات اینطور است. جامعه می گوید، "زمانی برای صلح وجود دارد و زمانی برای جنگ وجود دارد." بنابراین چیزی که من می گویم این است که شما باید در محیط های آکادمیک بسیار مراقب باشید زیرا ما از نوع افراد صلح آمیز هستیم. آیا در محیط های دانشگاهی، ما در مورد صلح و عشق بحث می کنیم؟ در دنیای واقعی، افرادی در افغانستان هستند که امروز می جنگند و می میرند، احتمالاً در نتیجه آنچه در جهان می گذرد. وقتی پسرمان آنجا بود، مجبور شدم هفت ماه با آن دست و پنجه نرم کنم. او مدتی است که بازگشته است. آیا او هنوز بقایای چیزهایی را در ذهنش دارد که دیده است و در مورد آنها به من و همسرم گفته است؟ او می گوید: "من چیزهایی دیده ام که هیچ نباید در طول زندگی خود ببیند." آیا می دانید دیدن دوستتان که تکه تکه می شود چگونه است؟ شما باید جسدش را از دیوار بیرون بکشید و بگویید که مثل گوشت گاو تند است، آن را در جعبه ای بگذارید و به خدا دعا کنید که والدینش جعبه را باز نکنند. چیزهای زیادی وجود دارد که پایین می آید. تنها چیزی که می گویم این است که جنگ واقعا، واقعا زشت و بد است. با این حال، خدا خود را به عنوان یک جنگجو به تصویر می کشد. به هر حال، آیا این فقط خدا است، یا عیسی نیز خود را به عنوان یک جنگجو به تصویر می کشد؟ شما می گویند خوب عیسی عشق و صلح است، گونه دیگر را برگردانید. آیا تا به حال کتاب مکاشفه را خوانده اید؟ مکاشفه ۱۹ را بخوانید، عیسی نیز به عنوان یک جنگجو باز می گردد. من فقط شما را در این مورد آزار می دهم. اشکالی ندارد که در مورد این سوال اختلاف نظر داشته باشید. آخرین دوره کلاس ما دانش آموزی داشتیم که دوست من بود که صلح طلب بود و در صورت من قرار می گرفت و اشکالی ندارد. افراد مختلف چیزهای صلح طلبانه تری دارند، در حالی که برخی بیشتر موضع جنگ عادلانه را اتخاذ می کنند. من خودم بیشتر یک فرد جنگی عادل هستم. اشکالی ندارد که در مورد آن اختلاف نظر داشته باشیم، افراد مختلف استانداردهای متفاوتی دارند.

S. موسی از کجا از دریای نی عبور کرد؟ [79:15-76:09]

موسی از کجا از دریای نی عبور کرد؟ اینجا آنها در گوشن هستند، این سرزمین گوشن است که یهودیان در آن ساکن شده اند. حالا دو مکان وجود دارد که می توانند از دریاچه های تلخ یا دریاچه تیمسا عبور کنند، می توانند از اینجا عبور کنند. به هر حال، آیا این با دریای نیزارها مناسب است؟ اینها کمتر از اقیانوس شور هستند. اقیانوس شور است، آیا نی ها در نمک واقعا خوب رشد می کنند؟ نه. بنابراین وقتی می گوید "دریای نی"، برخی از مردم فکر می کنند که اینها هستند زیرا نمک کمتری دارند و نیزارهایی روی این دریاچه ها وجود دارد. به هر حال، آیا این دریاچه ها به اندازه کافی بزرگ هستند که یک ارتش را غرق کنند؟ شما می گویند: "خوب، نه، زیرا

[illegible]

T. سبت [83:28-79:15]

حالا در روز سبت، ما در اینجا حدود سه کار دیگر برای انجام دادن داریم. سبت. چرا 9 فرمان از 10 فرمان را نگه می داریم؟ تو نخواهی کشت، دروغ نخواهی گفت، دزدی نخواهی کرد، ما به همه فرمان ها احترام می گذاریم، اما چرا فرمان رعایت سبت را انجام نمی دهیم؟ شما می گویند که این چه ربطی به جاده های ویسکانسین دارد؟ من در نیویورک بزرگ شدم و در نیویورک چاله هایی دارند که آنقدر بزرگ هستند که ماشین شما را می خورند. در واقع بیشتر جاده ها در ماساچوست دارای چاله هستند، در نیویورک چاله ها جاده دارند. شما وارد ویسکانسین می شوید اگرچه جاده ها مانند شیشه هستند. می پرسیم تفاوت چیست؟ بخشی از آن

روشی است که ویسکانسین جاده های خود را می سازد. آنها آب را از زیر آن کاشی می کنند، یک دسته سنگ خرد شده روی آن قرار می دهند تا آب بتواند فرار کند، و آنها جاده های خود را با پایه خوبی می سازند. این پایه خوب باعث می شود که جاده ها دوام بیاورند. چیزی که می خواهم به شما پیشنهاد کنم این است که اصل سبت پایه خوبی برای تنظیم زندگی شماست. حالا من در اینجا ریاکارانه صحبت می کنم، و این یک سخنرانی به همان اندازه برای خودم است که برای هر دیگری، زیرا من واقعا اوقات سختی را با این موضوع سبت گذرانده ام. من دوستانی دارم که بسیار سبت گرا هستند و دوستان دیگری که فقط هفت روز مستقیم کار می کنند. یکی از چیزهایی که در مورد سبت مربوط می شود این است که شما به یاد می آورید که خدا چه کرده است و به زندگی فکر می کنید. چه اتفاقی می افتد وقتی زندگی را با کامیون می گذرانید، فقط با سرعتی که می توانید می دوید و هرگز بر نمی گردید؟ آیا می توانید از زندگی معنا پیدا کنید؟ آیا باید برگردید و برای جمع کردن زندگی وقت بگذارید؟ به خاطر سپردن گذشته خود لازم است تا زمان حال از زندگی معنا پیدا کند. بنابراین به خاطر سپردن یک اصل واقعا مهم است. ریتم، شما بچه ها در مورد ریتم می دانید. وقتی باید برای کلاس مقاله بنویسید چه اتفاقی می افتد؟ شما تمام شب را بیدار می مانید و روزنامه می نویسید. شما با بیدار ماندن تمام شب ریتم روز و شب را نقض می کنید. روز بعد چه اتفاقی می افتد؟ روز بعد خوب است یا بد؟ اگر مجبور شوید دو شب متوالی بیدار بمانید چه اتفاقی می افتد؟ آیا این مانند قتل است؟ این کار را نکنید، واقعا بد است. به عبارت دیگر، آیا چرخه روزانه خاصی وجود دارد که باید رعایت کنید؟ در واقع به عنوان دانشجوی کالج من فقط به شما می گویم که سعی کنید بخواهید، این واقعا مهم است. چرخه روزانه وجود دارد، همچنین چرخه هفتگی وجود دارد؟ اگر چرخه هفتگی را نقض کنید چه اتفاقی می افتد؟ من قبلا با یک پسر کار می کردم و او هفت روز در هفته کار می کرد. او کامیون می راند و به دانشگاه می رفت، او یکی از شاگردان من بود و من او را در مدرسه می دیدم. سپس آخر هفته ها کامیون می رانندگی می کرد و در آخر هفته 30 ساعت کار می کرد. بعد از مدتی به مدرسه می رفت، کار می کرد و سپس سر کار می رفت. او هرگز استراحت نکرد. سوال، پس از حدود سه ماه از انجام این کار، آیا او می دانست که کدام پایان به پایان رسیده است؟ او تمام حس معنا و هدف را در زندگی از دست داد. او آماده بود همه چیز را ترک کند زیرا نمی توانست چیزها را درک کند. پس فقط مراقب آن باشید. چشم پوشی از کار استاد شماست. کار استاد ما نیست، و بنابراین سبت این چرخه کار را می شکند و به ما اجازه می دهد تا از کار به عنوان ارباب خود دست بکشیم. تجدید، آیا گاهی اوقات در روز سبت نیاز به استراحت دارید؟ پدر و مادر من وقتی بزرگ شدم همیشه یکشنبه استراحت می کردند. در این مورد چیزی برای گفتن وجود دارد. این یکی دیگر است، الگو. آیا خود خدا در روز سبت استراحت کرد؟ آیا خدا به خاطر خستگی استراحت کرد؟ نه، خدا در روز سبت استراحت کرد، او به هر چیزی که ساخته بود نگاه کرد و دید که بسیار خوب است، توف معود. بنابراین خدا استراحت کرد و خدا الگوی ما است و بنابراین چیزی برای گفتن وجود دارد و همچنین یکی از ده فرمان است. آیا برای ارزیابی مجدد و تجدید نظر در امور به زمان نیاز داریم؟ بگذارید به اینجا برگردم. بنابراین اینها

اساساً منطق انجام سبت هستند. به هر حال، آیا عهد جدید می گوید که ما باید از سبت اطاعت کنیم؟ پولس در رومیان می گوید که برخی از مردم سبت را رعایت می کنند و برخی دیگر این کار را نمی کنند و هر روز را یکسان می دانند. بنابراین چیزی که من می گویم این است که شما می توانید برای خودتان تعهد بگیرید، اما مراقب باشید که آن را به دیگران تحمیل کنید که ممکن است تعهدات دیگری داشته باشند.

U. خیمه [89:58-83:29]

ما در مورد خیمه چه می دانیم؟ این یک آیه مهم است، "پس از آنها بخواهید که مرا حرمی برای من قرار دهند تا در میان آنها ساکن شوم." من در میان آنها ساکن خواهم شد، این چه نام خدا را در ذهن شما ایجاد می کند؟ امانوئل. منظور عمانوئیل چیست؟ «خدا با ما». "من در میان آنها ساکن خواهم شد." اسرائیل در بیابان است و اسرائیلی ها کجا در بیابان زندگی می کنند؟ آنها در چادرها زندگی می کنند. اگر خدا با بنی اسرائیل در بیابان است، خدا کجا زندگی می کند؟ در چادر. بنی اسرائیل در چادرهایی در بیابان زندگی می کنند، بنابراین خدا با آنها در خیمه زندگی می کند. برخی از افرادی که دوستان من هستند می گویند که خیمه این تصور را دارد که مقدس اقداس با کروی بیان است، که این بهشت روی زمین است. به عبارت دیگر، خیمه به خاطر کروی بیان مانند کمی از بهشت روی زمین است. دوستان دیگر من می گویند که خیمه نماد بازگشت به باغ عدن است. حالا من هرگز نتوانسته ام از هر دوی این پیشنهادات استفاده کنم. این پیشنهادات توسط برخی از افراد مطرح شده است که من بسیار به آنها احترام می گذارم، اما هرگز برای من منطقی نبوده اند. چیزی که برای من منطقی تر است این است که خیمه یک چادر است و خدا با قومش چادر می زند. به نظر می رسد که این ایده منطقی تر از این ایده "بهشت روی زمین" باشد، اما برخی از مردم به این سمت می روند. بنابراین برای من بیشتر این است که خدا با قومش چادر می زند. حالا، من می خواهم یک نقاشی از خیمه بگذارم. این در پاورپوینت شما است که شما بچه ها می توانید دانلود. این یک نقاشی از خیمه است، ببینید به نوعی از آن عبور کنیم. اول از همه، و من می خواهم به سمت دیگر اینجا بروم. ببینید اندازه این چیز را بگیریم. کل خیمه 150 فوت طول و 75 فوت عرض دارد. چقدر طول می کشد؟ چند یارد؟ 150 فوت چند یارد است؟ 50 یارد. 50 یارد که به خوبی می دانید چیست؟ این مثل نیمی از زمین فوتبال است. آیا این بزرگ است؟ آیا به وسعت یک زمین فوتبال است؟ حالا این هسته بیرونی است. خیمه داخلی خود 45 فوت در 15 فوت است. آیا می تواند آن را در این اتاق قرار دهد؟ از اینجا تا دیوار پشتی حدود 45 فوت؟ و 15 فوت، این اتاق پهن تر از 15 فوت. بنابراین خیمه می تواند درست در اینجا قرار بگیرد. تنها چیزی که می گویم، آیا این بزرگ است؟ نه، اینطور نیست. وقتی وارد می شوید، از چه سمتی می آید؟ شرق، به این معنی که پشت شما به طلوع خورشید است. آیا خورشید در آن فرهنگ برای خدایان مشکل ساز است؟ حالا، قبایل اسرائیل کجا هستند؟ در این طرف سه قبیله وجود داشت، سه قبیله در این طرف، سه قبیله در این طرف، و سه قبیله در این طرف. آیا قبایل در اطراف این اردو زده اند؟ در هر طرف سه قبیله وجود داشت. وقتی از شرق وارد می شوید و قربانی خود را رها می کنید، چه کسی قربانی شما را در اینجا برمی دارد و حیوان را می

کشد؟ کشیشان. پس آیا کشیش ها در اینجا فعالیت می کنند؟ شما حیوان خود را به اینجا می آورید، گوسفند یا بز خود، سپس کاهن آن را می گیرد و در این محراب قربانی سوختنی می سوزاند. این حدود 7 و نیم فوت طول دارد و آنها حیوانات را در اینجا می سوزانند.

حالا، به هر حال، وقتی شما یک حیوان را می کشید، آیا خون خواهد بود؟ پس این حوض است. یک لیور شبیه حمام پرنده است، در واقع اینطور است. اینجا آب دارد. چرا کشیش ها در این مرحله به آب نیاز دارند؟ آنها با خون به هم ریختند، بنابراین اینجا شستشو می کنند. این دستشویی و محراب قربانی سوختنی در اینجا است. حالا وقتی به اینجا می روید این را دارید، متأسفم که این یک نقاشی وحشتناک است. این همان چیزی است که یهودیان آن را منورا می نامند. منورا یک نگهدارنده شمع هفت شاخه است. آیا تا به حال آن یهودیان را با هفت شاخه دیده اید؟ این یک چراغ برق است. چرا در داخل این چادر به چراغ برق نیاز دارید؟ آنجا تاریک می شود. این منورا است، چراغ. این سفره نان شو در اینجا است. مثل یک میز قهوه است. روی این میز قهوه نان شو، 12 قرص نان قرار دارد. چند قبیله وجود دارد؟ 12 قبیله، 12 قرص نان. این محراب بخور است. محراب بخور 6 اینچ در 6 اینچ است که احتمالاً حدود سه فوت ارتفاع دارد. در این کار، آنها بخور مخصوصی می سوزانند که خدا می گوید باید به روشی خاص مخلوط شود. وقتی از خیمه وارد شدید، آیا می دانستید که با عطری که بو می کردید در حضور خدا بودید؟ آیا عطر یا بو و حضور با هم ترکیب می شوند؟ آیا می توانید بگویید که گاهی اوقات با بوی چیزها در حضور کسی هستید؟ من آن را به روشی بد بیان کردم، اما به عبارت دیگر، بو باعث حضور می شود. بله، پس شما عطری را دارید که باید بگویم. حالا اینجا پرده ای وجود دارد که از اینجا عبور می کند. این قدس الاقداس است. "قدس الاقداس" به معنای مقدس ترین مکان است. صندوق عهد آنجا است. کشتی تقریباً به این بزرگی است، در بالای کشتی کروبیان قرار دارند. خون کجا قرار می گیرد؟ سالی یک بار کشیش به آنجا می رود، کاهن در چه روزی خون را بین کروبیان می گذارد؟ روز کفاره، مقدس ترین روز، یوم کیپور. اگر بگویم یوم کیپور، آشنا به نظر می رسد؟ در یوم کیپور، روز کفاره، خون را وارد می کنند و در آنجا می گذارند. پس این کشتی است. آنها هنگام راه رفتن کشتی را روی شانه های خود حمل می کنند.

V. سه چیز در کشتی [91:28-89:59]

سه چیز در کشتی وجود داشت. این باید برای شما مانند یک سوال چند گزینه ای به نظر برسد. ده فرمان در کشتی است. عصای جوانه زده هارون، هارون قرار بود از زمانی که عصای او جوانه زد رهبر باشد. آنها عصای جوانه زدن هارون را گرفتند و در کشتی گذاشتند. سپس یک دیگ من برداشتند، مقداری من جمع کردند و در آنجا گذاشتند. به هر حال کلمه "منا" به چه معناست؟ آیا می بینید که در اینجا نوعی بازی با کلمات با «مان» وجود دارد؟ یعنی «چیست؟» آنها نمی دانستند چیست، بنابراین آن را "چیست؟" نامیدند. پس این سه چیز در صندوق عهد یافت می شوند. بعدها در تاریخ اسرائیل این دو چیز از بین خواهند رفت و تنها چیزی که در آن باقی

خواهد ماند ده فرمان خواهد بود. بنابراین دیگ من و عصای هارون گم شدند در حالی که ده فرمان تنها چیزی است که در کشتی باقی مانده است. پس این خیمه است. ما روز پنجشنبه یک آزمایش داریم. من یک اسلاید دیگر برای رفتن داشتم، این اسلاید اینجا در امتحان نخواهد بود. بنابراین نگران این سوال در مورد سقط جنین نباشید.

این دکتر تد هیلدبرانت در دوره تاریخ، ادبیات و الهیات عهد عتیق، سخنرانی #۱۲: آفت ها و خیمه در کتاب خروج است.

خشن ویرایش شده توسط تد هیلدبرانت-2

رونویسی شده توسط نیکول ترک